

آنچه مرا سزاوار خوشبخت بودن می‌کند، این است که خوشبختی را برای خود نیندوزم و با دیگران قسمت کنم.

www.mandegardaily.com

سال ششم: شماره یک هزار چهار صد دوازده: شنبه ۲۴ عقرب/آبان ۱۳۹۳: ۲۲ محرم الحرام ۱۴۳۶: ۱۵ نوامبر ۲۰۱۴

## باید مراقب بود

شمالشرق نقطه اتصال سه کشور همسایه می‌باشد. طی چند هفته اخیر، حوزه شمالشرق، به خصوص ولایات کندز و بدخشان شاهد نشانه‌هایی از تحرکاتی می‌باشند که نباید یک امر معمول تلقی گردند. به قول شاهدان عینی، ورود شبکه‌ها و عناصر بیگانه با محل و مردم که برای مقاصد خاصی جابجا می‌شوند، پرسش برانگیز است. ساحات مذکور، نقاط اتصال سه کشور همسایه نیز می‌باشند که به آسانی می‌توانند منحبث دهلز میان کشورها مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به موج تحرکات دیپلماتیک و سیاسی در محور افغانستان، دولت باید با فرستادن هیات ویژه، وضعیت آن مناطق را بررسی نموده و به مسوولین امنیتی و اداری دستور لازم دهد تا مراقبت خویش را بیشتر نمایند. امنیت این حوزه، عمدتاً با همکاری مردم تامین است و رویدادهای اخیر که به نظر عادی می‌آیند با اندکی دید عمیق می‌توانند، غیر عادی و نگران کننده باشند. از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود

## نتایج مبهم

# سفر رئیس جمهور غنی به پاکستان



صفحه ۶

## نخستین سفر غنی به پاکستان و نیاز رویه متفاوت

هارون مجیدی

شماری از اعضای مجلس و فعالان مدنی، سفر رئیس جمهور غنی به پاکستان را با اهمیت خوانده می‌گویند تا زمانی که افغانستان با یک رویه متفاوت با پاکستان برخورد نکند، این سفرها بی نتیجه پایان می‌یابند. آنان هم چنان می‌گویند که حکومت وحدت ملی، از پشتوانه وسیع مردم برخوردار است و رهبران این حکومت می‌توانند با قدرت با طرف‌های دخیل در افغانستان وارد گفت‌وگو شوند. محمد اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان برای دیدار با مقامات پاکستانی، در رأس یک هیات عالی‌رتبه دولتی دیروز وارد اسلام آباد پایتخت پاکستان شد. دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری، با نشر خبرنامه‌یی نوشته‌است که این سفر بنابه دعوت نواز شریف،

صدراعظم پاکستان، انجام شده است. رئیس جمهوری افغانستان دو هفته پیش به چین سفر کرد و یکی از خواسته‌های او از دولت چین کمک آن کشور به روند صلح در افغانستان بود؛ خواستی که برای اولین بار با استقبال روشن دولت چین مواجه شد. پیش از این، جنرال راحیل شریف، فرمانده ارتش پاکستان به افغانستان سفر کرد؛ او گفت که کشورش می‌خواهد فصل جدیدی از دوستی را با افغانستان باز کند و از آقای غنی خواست که به پاکستان سفر کند و بعد از آن رئیس استخبارات ارتش پاکستان نیز ویراد این کشور شده و با اشرف غنی احمدزی دیدار داشته است. سفر های پیهم مقام های پاکستانی و دعوت نخست وزیر پاکستان این سفر را سامان داده است. اما این سفر چه دست‌آوردی برای افغانستان دارد؟ داکتر عبدالقیوم سجادی عضو مجلس نماینده‌گان



در این خصوص به روزنامه ماندگار ضمن این که پاکستان را یکی از محورهای بسیار حساس و چالش برانگیز در روابط خارجی افغانستان می‌داند، می‌گوید: با توجه به مشکلات نا امنی و تروریزم که در افغانستان وجود دارد، پاکستان در این زمینه نقش جدی دارد و ادامه جنگ و نا امنی در افغانستان پیوند مستقیم با سیاست‌های پاکستان دارد. آقای سجادی می‌گوید:...

ادامه صفحه ۶

### آگاهان:

## مجرمان اصلی پرونده کابل بانک مشخص نشدند



در دادگاه کابل بانک، دو تن از روسای پیشین کابل ادعا داشتند که آقای زاخیل وال و حاجی دین محمد پولهایی را در انتخابات ۲۰۰۹ از کابل بانک بیرون کشیده اند؛ پس چرا حکومت دستور نمی دهد که این دو نفر نیز بازداشت شوند و یا حداقل در دادگاه حاضر شوند. مدیریت رسیده گی به این پرونده برای مردم افغانستان بسیار روشن نیست و بسیاری از کسانی که در این جرم (فروپاشی کابل بانک) شریک اند، حتا نام شان در این پرونده اصلاً وجود ندارد. فرستادن چند نفر به زندان و محکوم کردن تعدادی به جریمه نقدی، پاک کردن صورت مساله کابل بانک است و به این بهانه نشان می‌دهند که عدالت تامین شده و مجرمین به زندان فرستاده شده اند. شماری از آگاهان سیاسی با ابراز این مطلب می‌گویند که دادگاه کابل بانک باید درخصوص این پرونده شفاف و صادقانه عمل کند و عوامل دست اول، دوم و سوم را شناسایی و در یک فضای شفاف محاکمه کنند. هفته گذشته شیرخان فرنود رئیس سابق این بانک و

ادامه صفحه ۶

## سه سرباز در یک حمله انتحاری زخم برداشتند



در یک حمله انتحاری در ولسوالی بگرام ولایت پروان سه تن از نیروهای بین المللی زخم برداشتند. عبدالشکور قدوسی ولسوال بگرام ولایت پروان با تایید این حادثه به رسانه‌ها گفت: « ساعت دو بجه امروز (دیروز) نیروهای بین المللی در در منطقه سین زی این ولسوالی در حال گشت زنی بودند که مورد حمله انتحاری قرار...»

ادامه صفحه ۶

### در برگ ها



دولت پاسخ‌گو؛ نیاز امروز مردم افغانستان

از جهان سوم به جهان اول داستان سنکاپور از سال ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



رولان بارت در میانه متن و اثر

نگاهی به اندیشه‌های یوهان گئورگ هامان



حلیمه حسینی

# دولت پاسخ گو؛ نیاز امروز مردم افغانستان



**دولت پاسخ گو همان کمبود و خلایی بوده که همواره مردم ما برای پُر کردن آن تلاش کرده‌اند و در آرزوی داشتن آن بوده‌اند و نحوه رفتار رییس‌جمهور غنی و آرزوهای وی و همچنین رییس اجرایی کشور برای آوردن اصلاحات و جبران خطاهای گذشته، این نکته را بیشتر مطرح می‌سازد که اصلاحات به وجود نخواهد آمد مگر این‌که در قدم اول، دولت وحدت ملی نسبت به وعده‌ها و شعارهایی که در اولین روزهای تشکیل داده بود، صادقانه عمل کند و اگر تأخیر و کمبودی در عملی شدن این وعده‌ها به میان می‌آید، در پیشگاه ملت به دقت و شفافیت تمام، دلایل این تأخیرها و به تعویق افتادن‌ها را بیان کند**

باز کنند؛ اما همه منوط به این است که بتوان این باور را به مردم داد که دولت وحدت ملی با یک اراده قوی برای اصلاحات و حفظ وحدت و تحول‌آفرینی در جامعه به گونه‌ی قدم برمی‌دارد که تأخیر در انجام وعده‌ها یا عدم تحقق آن‌ها در پیشگاه ملت، برای‌شان مسوولیتی را به همراه می‌آورد که دیگر ملت در این میان فقط نقشی منفعل و تماشاچی محض را ندارد، بلکه در عوض هر تأخیر و هر اشتباه یا کم‌کاری، می‌تواند از مسوولین حساب‌رسی کند و آن‌ها باید پاسخ گو باشند. و رسانه‌ها در این فصل بیشترین کمک را به ساختن این دولت پاسخ‌گو می‌تواند انجام دهد.

دولت پاسخ‌گو همان کمبود و خلایی بوده که همواره مردم ما برای پُر کردن آن تلاش کرده‌اند و در آرزوی داشتن آن بوده‌اند و نحوه رفتار رییس‌جمهور غنی و آرزوهای وی و همچنین رییس اجرایی کشور برای آوردن اصلاحات و جبران خطاهای گذشته، این نکته را بیشتر مطرح می‌سازد که اصلاحات به وجود نخواهد آمد مگر این‌که در قدم اول، دولت وحدت ملی نسبت به وعده‌ها و شعارهایی که در اولین روزهای تشکیل داده بود، صادقانه عمل کند و اگر تأخیر و کمبودی در عملی شدن این وعده‌ها به میان می‌آید، در پیشگاه ملت به دقت و شفافیت تمام، دلایل این تأخیرها و به تعویق افتادن‌ها را بیان کند.

از عدم رسیدگی کامل به پرونده کابل بانک در ظرف زمانی تعیین شده تا اعلام کابینه و... همه و همه باید شفاف و دقیق برای مردم وضاحت داده شود که چرا کارها بطی و با تأخیر انجام شده‌اند، چرا که اگر در همین ابتدایی‌ترین قدم‌ها این دولت نخواهد به ملت پاسخ‌گو باشد، هیچ تفاوتی با دولت‌ها و حکومت‌های پیشین نخواهد داشت!

و حساب‌پرسی در دیگر عرصه‌های مالیاتی و مالی و اقتصادی و مشکوک به فساد در کشور. اما آیا می‌توان بدون توجه به اصل و اساس مشکلی که انتخابات را به بحران برد، مردم را به صداقت و شفافیت کاری این دولت باورمند ساخت؟

شاید یکی از مهم‌ترین اولویت‌های کاری دولت وحدت ملی، رسیدگی به پرونده کمیسیون‌های انتخاباتی باشد. خواست همه مردم آن است که مسأله نقش کمیسیون‌ها در تقلبات سازمان‌دهی شده انتخاباتی، مورد پیگرد و بررسی قرار گیرد. اگر این مسأله به هر دلیل و بهانه‌ی به صورت جدی مورد توجه قرار نگیرد، آسیب‌های فراوانی را متوجه فضای مثبت حاکم بر دولت وحدت ملی خواهد کرد. ولی درست در یک چنین شرایط حساسی، ما به جای رسیدگی و شفافیت‌بخشی و عمل به تعهدات از سوی مسوولین دولت وحدت ملی، شاهد ناکامی‌های پی در پی این بزرگواران در عمل به تعهدات‌شان در پیشگاه ملت هستیم. ضرب‌الاجل‌هایی که تعیین شد و مشکلات و پرونده‌هایی که قرار به انجام و رسیدگی به آن‌ها و حل‌شان در موعد مقرر بود، همه نشان از یک واقعیت دارد و آن این‌که در مقابل دولت وحدت ملی و کامیابی آن سنگ‌های بزرگی انداخته شده و خواهد شد که اگر سیاست‌مداران ما درایت و بلندنظری لازم را به خرج ندهند، یک بار دیگر طعم شکست و تلخی ناکامی را این بار در سایه تشکیل دولت وحدت ملی تجربه خواهند کرد.

این بار تیم حاکم که ترکیبی ست از خواست‌ها و اراده‌های نیکی که برای ملت داشته‌اند یعنی همگرایی و اصلاحات و تحول‌آفرینی، که همه نکات خوب و امیدوارکننده‌ی استند که می‌توانند فضای سیاسی کشور را تلطیف کرده و جا را برای امیدها و کامیابی‌های بیشتر

دولت وحدت ملی از همان آغازین روزهای شکل گرفتنش، توانست امیدها و باورهای زیادی را نه تنها در داخل، بلکه در خارج از کشور ایجاد کند مبنی بر این‌که افغانستانی‌ها سرانجام به آن درجه از رشد سیاسی رسیده‌اند که همگرایی و وحدت را جای‌گزین واگرایی‌هایی کنند که جامعه را به سمت بحران می‌برد.

هرچند که تشکیل دولت وحدت ملی خود یک دستاورد بزرگ و سرنوشت‌ساز در تاریخ سیاسی کشور بوده است که اساس و شالوده آن را توافقی تشکیل می‌دهد که طرفین حاضر شدند با امضای آن، افغانستان را از رفتن به یک بحران بی‌بازگشت نجات دهند؛ اما این موفقیت و دستاورد بزرگ دلیل نمی‌شود آسیمی که پیش از آن بر جامعه و دموکراسی ما وارد شد را نادیده بگیریم.

مسلماً وقتی ضرورت تشکیل دولت وحدت ملی به میان آمد که مکانیزم انتخابات با صرف میلیون‌ها دالر هزینه و هم‌چنین هزینه‌های جانی‌یی که شهروندان ما قبول کردند، با ناکامی مواجه شد و در حقیقت، این مکانیزم عقیم شد و آرای مردم بی‌نتیجه ماند. آن‌چه به نوبه خود باعث شد که انتخابات به فرجامی چنین ناامیدکننده دچار شود، باید جزو خیانت‌های ملی و تاریخی در افغانستان طبقه‌بندی و ثبت و ضبط شود. ولی آن‌چه به عنوان خیانت ملی شناخته می‌شود، چه برخوردی را می‌طلبد و شایسته یک چنین بحران‌سازی‌هایی چه خواهد بود؟... این همان سوالی ست که این روزها بی‌جواب مانده است.

شاید در میان ده‌ها عاملی که باعث شد انتخابات سال جاری در افغانستان به بحران برود، نقش کمیسیون‌های انتخاباتی آن قدر برجسته و پُررنگ باشد که با کمی اغماض بتوان دیگر عوامل را به فراموشی سپرد. حال دولت وحدت ملی که برآمده از یک چنین شرایطی بوده است، برای این‌که بتواند از بحران‌های آینده جلوگیری کند و بنای جدیدی را برای آغاز دوباره مردم‌سالاری و انتخابات اعمار کند، نیازمند شفافیت‌سازی و عدالت‌محوری در همه عرصه‌های کاری‌اش است؛ شفافیت‌سازی از تشکیل دادگاه‌های علنی برای پرونده‌های مختلف در مقابل رسانه‌ها گرفته تا حساب‌رسی

## سخن ماندگار

### نخستین سفر اشرف غنی و بیست و یک سفر بی نتیجه

رییس‌جمهور اشرف غنی سومین سفر خارجی‌اش را، به پاکستان انجام داد. این سفر بعد از یک تأخیر و پس از سفر چین صورت گرفت. اشرف غنی در سفر چین تلاش کرده بود تا رهبران آن کشور را به نحوی راضی سازد که پاکستان را به همکاری در امر صلح افغانستان تشویق کنند. حالا رییس دولت وحدت ملی برای دیدار با مقامات پاکستانی در رأس یک هیأت عالی‌رتبه وارد اسلام‌آباد پایتخت پاکستان شده است.

آقای غنی در حالی به پاکستان می‌رود که پیش از این مقدمه‌هایی را در خصوص گفت‌وگو با پاکستان سامان داده بود. او در سفر به عربستان سعودی و چین، از این دو کشور که شرکای استراتژیک پاکستان‌اند، خواسته بود که برای همکاری بیشتر در روند استقرار صلح در افغانستان، بر این کشور فشار وارد کنند. اما این سفر نخست اشرف غنی احمدزی به پاکستان به عنوان رییس‌جمهوری، در واقع باب تازه‌یی را برای گفت‌وگوها میان دو کشور می‌گشاید. افغانستان با توجه به رابطه دیرینه‌یی که با پاکستان دارد، همواره در کشمکش‌های نظامی سیاسی با پاکستان قرار داشته است. پاکستان کشوری ست که همواره افغانستان را به عنوان یک خطر و تهدید بالقوه تلقی کرده و تا کنون هیچ تغییری در این نگاه به میان نیامده است. با این حساب، اشرف غنی حالا به کشوری سفر کرده که سلف او حامد کرزی بیست و یک بار بدان جا رفته و هر بار دست خالی برگشته است. اگر آقای غنی هم با عین سیاست‌ها به پاکستان رفته باشد، بدون شک هیچ حاصلی بر نمی‌دارد و پتوی سفیدش را تکانده برمی‌گردد. ولی انتظار این است که آقای غنی با درک درست از وضعیت کشور، با نگاه متفاوت تری وارد پاکستان شود؛ نگاهی که از اشتباهات آقای کرزی در رابطه با پاکستان آموخته باشد و برنامه قاطع و موثری را در تعامل با این همسایه جنجالی با خود حمل کند.

اگر آقای غنی سیاست روشنی را در قبال صلح و جنگ افغانستان با جانب پاکستان مطرح نکند و آن کشور را به مداخله در امور افغانستان به شکل رو در رو متهم نسازد و نیز از راکت‌هایی که به خاک افغانستان فرود می‌آید، به شدت انتقاد نکند و شرکای منطقه‌یی پاکستان را نسبت به وخامت اوضاع هشدار ندهد، مسلماً هیچ تغییری در سیاست‌های پاکستان در قبال افغانستان به میان نخواهد آمد. اما نکته و مسأله دیگر این است که پاکستان نیز خواست‌هایی از جانب افغانستان دارد از جمله حل نگرانی‌های موجود در مورد مرز جنوب شرقی افغانستان که به خط دیورند مشهور است. به یقین تا زمانی که این معضله مطرح، واکاوی و حل نشود و افغانستان هیچ انعطافی در این خصوص نشان ندهد، پاکستان نیز دست از حمایت تروریستان برنخواهد داشت.

آقای غنی بیست و یک سفر حامد کرزی به پاکستان را به عنوان تجربه در حافظه دارد و با انتباه از آن می‌تواند از ادبیات درست‌تر و کارآمدتری در تعامل با این کشور استفاده کند. آقای اشرف غنی این امتیاز و تمهید را در سفر به پاکستان دارد که پیشاپیش چین را به جانب پاکستان مست کرده و آماده‌گی ذهنی خوبی را برای جانب پاکستانی ایجاد نموده است. باید رییس‌جمهور غنی از این ابزار و سایر ابزارهای دیگر به گونه بهینه در قبال پاکستان استفاده کند ضمن آن‌که نباید فراموش شود که وجود یک ادبیات قاطع و روشن لازمه پیروزی هر نوع مذاکره و گفت‌وگو است!

پوتین:

## روسیه سقوط بسیار شدید قیمت نفت را ممکن می داند



«ولادیمیر پوتین» (Vladimir Putin) رئیس جمهور روسیه اعلام کرد مقامات کشور وی سقوط بسیار شدید قیمت انرژی را منتفی نمی دانند و چنین سناریویی را در نظر دارند اما حتی در اینصورت با استفاده از ذخایر انباشته شده تمام تعهدات اجتماعی خود را اجرا کرده و اقتصاد کشور را سر پا نگه خواهند داشت.

پوتین در مصاحبه با خبرگزاری دولتی «ایتر-تاس» گفت: «ما درباره تمام سناریوها از جمله کاهش باصطلاح فاجعه بار بهای انرژی فکر می کنیم که کاملاً ممکن است و آنرا امکان پذیر می دانیم». وزارت اقتصاد، وزارت دارایی و دولت در مجموع چگونگی رشد اقتصاد در رابطه با هر کدام این سناریو را محاسبه می کنند.

رئیس جمهور روسیه خاطرنشان کرد در اقتصاد جهانی عدم توازن سرمایه ها و کالاها به وجود می آید که از جمله به دلایل سیاسی شدت پیدا می کند. کشور های دارای اقتصاد در حال توسعه بویژه کشور هایی که دارای چنین ذخایر زیادی همچون روسیه نیستند، در چنین لحظاتی دچار وضع بسیار دشواری می شوند.

پوتین گفت: «در هر حال امیدوارم ما (در اجلاس سران گروه بیست در استرالیا) بحث عمومی داشته و در رابطه با تغییر اوضاع و رفع عدم توازن های فعلی تصمیم مشترکی بگیریم».

## اسرائیل محدودیت سنی ورود مردان

### فلسطینی به مسجدالاقصی را لغو می کند



هفته گذشته پلیس اسرائیل وارد محوطه مسجدالاقصی شد، به گفته برخی این امر سالها سابقه نداشت.

پس از مدت ها تنش در شهر بیت المقدس، اسرائیل اعلام کرده است که محدودیت دسترسی نمازگزاران فلسطینی مرد به مسجدالاقصی را لغو می کند.

به گفته اسرائیل این تصمیم در پی مذاکراتی با اردن و آمریکا در امان، پایتخت اردن، گرفته شده است.

اردن پیشتر در اعتراض به محدودیت های اسرائیل برای دسترسی مسلمانان به حرم الشریف سفیر خود را فراخوانده بود.

میکی روزنفلد، سخنگوی پلیس اسرائیل، گفت که برای برگزاری نماز جمعه امروز واحدهای پلیس بیشتری به کار گرفته شدند.

بیت المقدس در هفته های اخیر صحنه تنش و درگیری های متعدد بوده است. به جز درگیری های معترضان فلسطینی با پلیس اسرائیل، در چند مورد رانندگان فلسطینی عابران اسرائیلی را زیر گرفته اند.

عملیات اخیر (بیش از سه ماه پیش) اسرائیل در غزه، که بیش از ۲۰۰۰ کشته بر جای گذاشت، یکی از دلایل ناآرامی در کرانه باختری و بیت المقدس بوده است.

فلسطینی ها همچنین به ساخت و سازهای اسرائیل در بیت المقدس شرقی اعتراض دارند.

علاوه بر این برخی از یهودیان تندرو تلاش هایی کرده اند که برای عبادت وارد محوطه مسجدالاقصی بشوند.

محوطه ای که مسجدالاقصی در آن قرار دارد علاوه بر مسلمانان برای یهودیان و مسیحیان نیز مقدس است. البته اداره این مجموعه در دست سازمانی است که زیر نظر مفتی بیت المقدس اداره می شود.

البغدادی:

## «خلافت اسلامی» را در جهان عرب گسترش می دهیم



تروریست های «دولت اسلامی» پیام صوتی منسوب به رهبر این گروه را نشر کردند که وی در آن برنامه اش را برای گسترش «خلافت اسلامی» به خارج از مرزهای عراق و سوریه مطرح می کند. این پیام پس از گمانه زنی ها در مورد مرگ وی نشر شد.

در این پیام صوتی ۱۷ دقیقه ای که روز پنج شنبه در اینترنت نشر شد، مردی که گفته می شود ابوبکر البغدادی است، گفته است که گسترش خلافت خود را به سراسر جهان عرب ادامه می دهد و تا آخرین فرد از جنگجویان اش خواهد جنگید.

براساس متن انگلیسی این پیام که همزمان با پیام صوتی اش نشر شده، او گفته است: «خداوند به ما فرمان داده که بجنگیم. به همین دلیل است که سربازان «دولت اسلامی» می جنگند... آن ها هیچ وقت جنگ را ترک نخواهند کرد، حتی اگر یک نفر شان باقی بماند».

پیام صوتی منسوب به ابوبکر البغدادی چند روز بعد از آن پخش شد که گمان می رفت وی در یک حمله هوایی ائتلاف زیر رهبری آمریکا بر محل تجمع رهبران «دولت اسلامی» در شمال غرب عراق کشته یا زخمی شده باشد.

ایالات متحده آمریکا که برای دستگیری بغدادی ۱۰ میلیون دلار جایزه گذاشته است، روز سه شنبه در پی این حمله هوایی اعلام کرد که نمی تواند مرگ این خلیفه خودخوانده را تایید کند.

پیام وتی منسوب به البغدادی پس از گمانه زنی ها در مورد مرگ وی در یک حمله هوایی آمریکا نشر شد.

هنوز مشخص نیست که این پیام صوتی چه وقت ثبت شده است. در این پیام البغدادی هیچ چیزی از حمله هوایی اخیر نمی گوید. او فقط از تصمیم باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در جمعه گذشته مبنی برای فرستادن ۱۵۰۰ سرباز اضافی به عراق یادآوری می کند.

همچنان در مورد واقعی بودن این پیام صوتی هنوز هیچ معلوماتی ارائه نشده است. البته خبرگزاری ها گزارش داده اند که «دولت اسلامی» پیامی همسان

با پیام های قبلی ابوبکر البغدادی را نشر کرده است. آخرین پیام رهبر گروه تروریستی «دولت اسلامی» یا داعش سابق در قالب یک خطابه ویدیویی زمان اندکی پس از آن روی اینترنت قرار گرفت که داعش در بخش هایی از عراق و سوریه اعلام خلافت کرد.

برنامه گسترش خلافت

اگر اصلی بودن این پیام تایید شود، به این ترتیب این اولین بیانیه ابوبکر البغدادی می باشد که بعد از ایجاد ائتلاف بین المللی به رهبری آمریکا برای انجام حملات هوایی علیه جنگجویان این گروه به نشر می رسد.

در این پیام همچنان آمده است: «با وجود این کمپاین شدید صلیبی ها که شدیدتر از همیشه است، باز هم این بزرگترین شکست شان است».

البغدادی در این پیام می گوید که «دولت اسلامی» به گسترش اش و خواست اش از مسلمانان برای پیوستن به «جهاد» در همه جا، به خصوص عربستان سعودی و یمن ادامه می دهد.

وی اضافه می کند: «ای مسلمانان، ما به شما خبر

خوشی را در مورد گسترش «دولت اسلامی» به کشورهای جدید می دهیم، به سرزمین الحرمین عربستان سعودی و به یمن... به مصر، لیبیا و الجزایر». جنگجویان دولت اسلامی از تکنیک های وحشیانه ای در جنگ استفاده می کنند.

جنگجویان گروه تروریستی «دولت اسلامی» توانستند در مدت زمانی کم به تصرف مناطق وسیعی در عراق و سوریه دست یابند. این گروه از تکنیک های وحشیانه، به شمول سربریدن ها، حمله به اقلیت های دینی و مذهبی، آدم ربایی، شکنجه و برده داری نیز در جنگ استفاده می کند.

کارشناسان می گویند که بخش اصلی منابع تمویل این گروه را اخذی از مردم محل، فروش نفت خام و باج گیری از طریق آدم ربایی تشکیل می دهد.

روز پنج شنبه خبرگزاری فرانس پرس گزارش داد که «دولت اسلامی» اعلام کرده است که به زودی در مناطق تحت کنترل اش برای استفاده در بازار سکه ضرب می زند و پول خودش را رواج می دهد.

## کیف قصد ندارد نواحی تحت کنترل نیروهای

### مردمی در اوکراین را با توسل به زور تصرف کند



«پاول کلیمکین» وزیر امور خارجه اوکراین اعلام کرد مقامات کیف قصد ندارند نواحی تحت کنترل نیروهای مردمی در شرق این کشور را با توسل به زور تصرف کنند.

وزیر امور خارجه اوکراین در مصاحبه با روزنامه آلمانی Rheinische Post اعلام کرد کیف خواستار حل و فصل سیاسی درگیری است.

کلیمکین تاکید کرد اوکراین به پیروی از توافقات مینسک ادامه خواهد داد چون این توافقات «یگانه نقطه مبدا در حل و فصل درگیری هستند».

وزیر امور خارجه اوکراین ضمناً خاطرنشان کرد: «ارتش ما در صورت ضرورت خواهد توانست جواب دندان شکنی به جدایی خواهان هوادار روسیه بدهد».

یادآور می شود اعتراضات گسترده در استان های شرق و جنوب شرقی اوکراین از اواخر ماه فوریه تا بحال ادامه دارد. این اعتراضات پاسخ ساکنان منطقه به تغییر قهری حکومت به شکل کودتا و برکناری رئیس جمهور قانونی وقت اوکراین و به دنبال آن تلاش پارلمان برای لغو قانون موقعیت حقوقی منطقه ای زبان روسی در این کشور است.

مقامات کیف از اوایل آوریل عملیات سرکوبگرانه گسترده با جلب ارتش را علیه معترضان آغاز کردند. معترضان نیروهای مسلح تشکیل داده و در برابر ارتش دولتی مقاومت می کنند.

استان های هم مرز روسیه مراکز اصلی اعتراضات مردم هستند و در آنجا به دنبال همه پرسی تشکیل جمهوری های مردمی اعلام شده است.

گروه سه جانبه تماس در خصوص اوکراین متشکل از نمایندگان اوکراین، روسیه و سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) در آخرین اجلاس خود در ۱۹ سپتامبر پروتکلی را برای تامین آتش بس مطمئن و دراز مدت در منطقه دونباس (متشکل از

استان های دونتسک و لوهانسک) واقع در شرق اوکراین امضا کردند که از جمله تصویب قانون موقعیت حقوقی خاص استان های دونتسک و لوهانسک و برگزاری انتخابات زودرس در این استان ها را در نظر می گیرد.

اوکراین دیرتر قانون موقعیت حقوقی خاص استان های دونتسک و لوهانسک را به تصویب رساند که در آن از جمله برگزاری انتخابات نهادهای حکومتی منطقه ای در این منطقه در روز ۷ دسامبر در نظر گرفته می شود

اما نیروهای مردمی شرق اوکراین انتخابات رهبر و نمایندگان پارلمان این استان ها را بطور مستقلاً در روز دوم نوامبر برگزار کردند.

مقامات کیف اعلام کرده اند که این انتخابات را نامشروع می دانند.

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد تعداد قربانیان درگیری در شرق اوکراین از اواسط آوریل تا ۳۱ اکتبر بیش از چهار هزار نفر و تعداد زخمی ها بیش از ۹ هزار نفر بوده است.

روسیه بارها مخالفت خود با سرکوب مردم در شرق اوکراین را اعلام کرده است.

## طرح ریاض برای تخریب زادگاه

### رسول مکرم اسلام (ص)

به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری فارس، روزنامه ایندپندنت در گزارشی با اشاره به اینکه مقامات دولت عربستان سعودی در نظر دارد در اطراف مسجد الحرام و محله محل تولد پیامبر اسلام (ص) کاخی برای پادشاه این کشور و همچنین یک مرکز تجاری در نزدیکی آن احداث کند.

این گزارش که توسط اندرو جانسون نوشته شده تصریح می کند که دولت ریاض قصد دارد محله زادگاه رسول گرامی اسلام (ص) در چارچوب توسعه مسجد الحرام تخریب کند.

این گزارش با اشاره به اینکه دولت عربستان در چارچوب طرح بازسازی مسجد الحرام این طرح را آغاز کرده است تاکید می کند که در صورت اجرایی شدن طرح مذکور بخش مهمی از آثار تاریخی در شهر مکه تخریب خواهند شد و زادگاه پیامبر اسلام (ص) در زیر سنگ های مرمر دفن می شود.

پیش از این نیز این روزنامه انگلیسی خبر داده بود که دولت ریاض قصد دارد آرامگاه رسول مکرم اسلام را تخریب کند که انتشار این خبر با واکنش مقامات سعودی مواجه شد و آنرا تکذیب کردند.

ایندپندنت با اشاره به گزارش مرکز مطالعات «الخلیج» تاکید کرد که ۹۵ درصد از آثار تاریخی موجود در شهر مکه طی سال های گذشته تخریب و تبدیل به هتل ها و مراکز تجاری شده است.

این گزارش تصریح می کند که مقامات عربستانی مدعی هستند که دلیل محکمی برای اثبات اینکه این محل زادگاه پیامبر است وجود ندارد تصریح می کند که ریاض دلیل طرح خود برای تخریب منطقه اطراف مسجد الحرام که زادگاه پیامبر (ص) است را بهتر کردن خدمات برای زائران عنوان کرده است.



بخش نخست

## تأثیر رابطه با جنس مخالف

بر تصویر بردن



همه افراد و به خصوص دخترها نسبت به این مسأله که چهره و اندام و ظاهری دوست‌داشتنی داشته باشند، حساس هستند. البته این حساسیت زیاد هم بی‌مورد نیست، زیرا اطرافیان ما به طور ناخودآگاه به این ویژگی‌ها اهمیت می‌دهند و این امر بر مسایل بسیاری در زندگی ما تأثیر می‌گذارد. برای مثال، پژوهش‌ها نشان داده است که کودکان زیبا، کمتر از کودکان زشت تنبیه می‌شوند و افراد زیبا نسبت به هم‌تایان خود، مشاغل بهتر و درآمد بیشتری دارند.

هر کسی تصور و دیدگاه خاصی نسبت به ظاهر بیرونی خود دارد که آن را با توجه به تجربیات بیرونی و درونی از جمله واکنش والدین، بزرگ‌ترها، هم‌سالان و به‌خصوص جنس مخالف، کسب و تعدیل می‌کند. این تصویر که در روان‌شناسی «تصویر بدنی» نامیده می‌شود، عامل مهمی است که در بسیاری از تعاملات روزمره و حتی سلامت روان ما نقش دارد. زیرا براساس این تصور که بخشی از خودانگاره ما را تشکیل می‌دهد، محبوبیت و میزان اهمیت خود را برای دیگران تخمین می‌زنیم.

این اهمیت و محبوبیت، از آن‌جا که موجوداتی اجتماعی هستیم، ارزش بسیار زیادی در سلامتی و هستی بقای ما دارد. بنابراین اگر خود را برای دیگران محبوب یا جذاب تصور نکنیم، نگرانی و اندوه در خطر بودن ما را فرا می‌گیرد و آرامش و سلامت روان را الزاماً سلب می‌کند. برای مثال، پژوهشی که توسط وادا و مارکه در سال ۲۰۰۶ انجام شد، نشان داده است که زنان نسبت به تحسین و تمجید حساس بوده و پاسخ مثبتی به آن نشان می‌دهند.

از سوی دیگر، ناولی و ایکاردلی در پژوهشی بر روی مردان جوان دریافتند که اظهارنظرهای مربوط به ظاهر حتی برای مردان جوان نیز بسیار مهم است و با نارضایتی از بدن و میزان اعتماد به نفس آنان در ارتباط است. پسرانی که اظهارنظرهای منفی نسبت به ظاهر خود دریافت کرده بودند، عزت نفس و رضایت کمتری از بدن خود داشتند.

از سوی دیگر همان‌طور که عنوان شد، جنس مخالف نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و تحول تصویر بدنی فرد دارد. دوستی با جنس مخالف در عین این‌که می‌تواند منبعی برای کسب لذت و تجارب جدید و رفع نیازها باشد، منبعی برای ایجاد استرس و تغییراتی در عزت نفس افراد نیز به حساب می‌آید.

در این میان جوانان و نوجوانان که به‌تازگی گرایش به برقراری ارتباط با جنس مخالف پیدا کرده‌اند، بیش از هر گروه دیگری در معرض این خطر هستند که در حین روابط دوستی خود، عزت نفس و تصویر بدنی‌شان دست‌خوش تغییر و تحول شود. این موضوع در پژوهش‌های خارجی به حدی در نظر قرار گرفته است که حتی برای آن واژه‌ی تعیین شده است؛ واژه دغدغه قرار عاشقانه شامل دغدغه‌های نوجوانان به خصوص دختران در زمینه محبوبیت برای جنس مخالف، قرار گذاشتن و جذابیت برای آن‌هاست.

این دغدغه‌ها ارتباط تنگاتنگی با سلامت روانی فرد دارند، به طوری که هر چه عزت نفس فرد پایین‌تر و افسرده‌گی وی بالاتر باشد، اهمیت بیشتری برای محبوبیت نزد دیگران قابل خواهد شد.

هم‌چنین پژوهش‌ها نشان داده است که دخترانی که با فردی از جنس مخالف دوست هستند؛ بیش از دیگران رژیم می‌گیرند، بیشتر از بدن خود ناراضی هستند و بیشتر به اختلالات خوردن مثل پرخوری یا بی‌اشتهایی روانی مبتلا می‌شوند.

منبع: پرشین پرشیا

بخش نخست

# نگاهی به اندیشه‌های یوهان گئورگ هامان

زهره روجی

چرا آشنایی با نظریات یوهان هامان (۱۷۳۰-۱۷۸۸) در شرایط کنونی می‌تواند مفید و یا جالب باشد؟... به نظر می‌رسد پاسخ را می‌باید در شرایطی جست‌وجو کرد که در آن زندگی می‌کنیم؛ به مطالباتی که امروزه از سوی جامعه مدنی مطرح می‌شوند و در مجموع به عقلانی کردن جامعه مربوط می‌شود. ساختارهای عقلانی‌یی که بنیان‌های حقوقی آن، چه قبول داشته باشیم چه آن‌ها را انکار کنیم، برخاسته از تحولات اجتماعی در غرب و به‌خصوص میراث عصر روشن‌گری است. اما این‌که فرایند اجتماعی این ساختار در چه زمانی،

بود تا محرومیت‌هایی را که مانع رشد و توسعه‌اش می‌گردید، از میان بردارد. پس طبیعی بود که فقط به خود و منافع خاص خویش اندیشد.

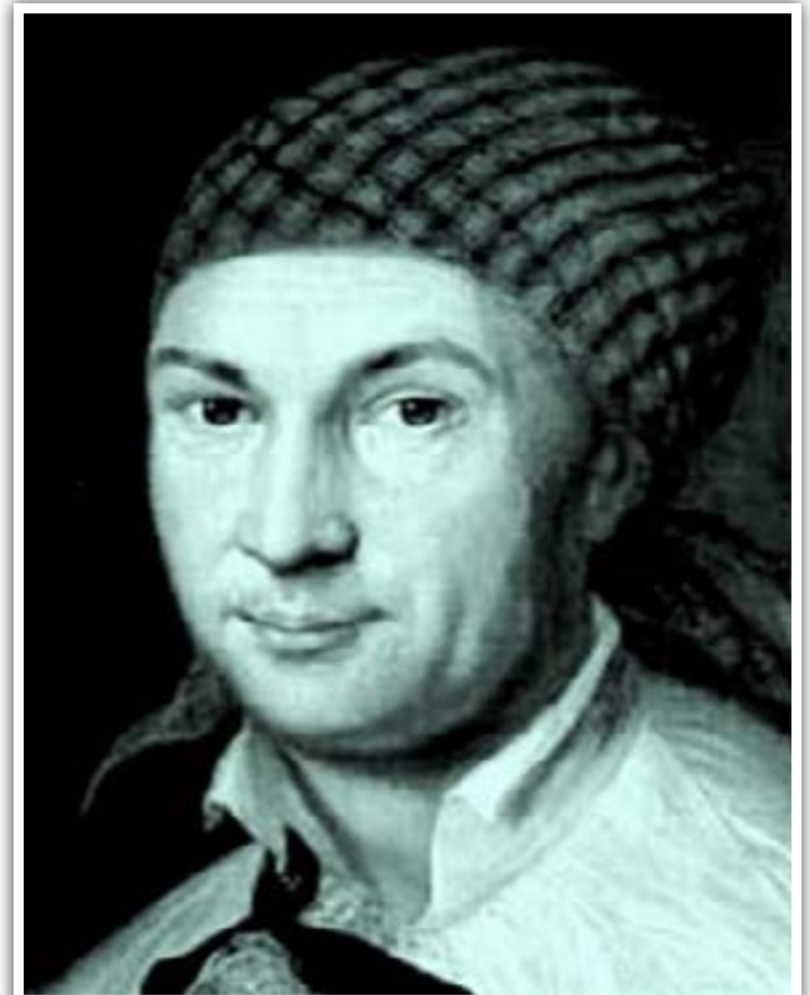
اما امروزه وضع نسبت به زمان هامان بسیار تغییر کرده است. حتی در جوامعی مثل ما که هنوز به مطالبات مربوط به حقوق اولیه عصر روشن‌گری دست نیافته است، چارچوب‌های عقل‌مداری آن، فارغ از نقد و بررسی نبوده است. به بیانی در حال حاضر، ضمن مطالبات مدنی‌یی که ریشه در عصر روشن‌گری دارند، به دلیل آشنایی با دیدگاه‌های انتقادی برخاسته از جهان معاصر، در فلسفه روشنگری

حدود آن و یا عقلانیت و حد و حدود آن و یا پرسش از فردیت و جامعه و... بیشتر باشد و افراد بیشتری در آن مشارکت جویند، شانس بیشتری برای دموکراتیزه کردن حوزه عمومی وجود دارد. بنابراین شرط همه‌گانی کردن قلمرو عمومی، وجود تنوع فکری بیشتر در گفتمان‌هاست.

بر همین اساس می‌توان گفت بررسی اندیشه هامان تنها برای این صورت نمی‌گیرد تا به صرف ضدیتش با عصر روشن‌گری به رد آن‌ها بپردازیم، بلکه همان‌گونه که گفته شد، به دلیل اندیشه انتقادی زمانه ما (نسبت به برخی از تفکرات فلسفی به اصطلاح خردگرا)، هم‌زمان می‌توانیم ضمن نقد برخی از تفکرات وی، بدون تعصب، به استقبال و حمایت بعضی دیگر از اندیشه‌های فلسفی او رویم. بی‌آن‌که درباره روش فکری خویش دچار سوءتفاهم شویم. منظور همان سوءتفاهم بزرگی است که غالباً از سوی نگرش‌های جزمی، تک‌ساحتی و متعصب اتفاق می‌افتد. زیرا به بُعدمند بودن نحوه هستی آدمی باور ندارند؛ ناآشنا به موقعیت چندلایه‌گی اندیشه، عمل و تجربه.

باری، آیزایا برلین (۱۹۰۹ - ۱۹۹۷) فیلسوف سیاسی بریتانیایی و صاحب‌نظر در مسایل عصر روشن‌گری در کتابی زیر عنوان «مجوس شمال» (۱۹۹۳) که در آن به معرفی تفکرات و زندگی یوهان گئورگ هامان پرداخته است، ضمن تأکید بر اهمیت اندیشه‌های هامان، وی را «پرشورترین، پی‌گیرترین، افراطی‌ترین و سازش‌ناپذیرترین دشمن روشن‌گری و صورت‌های عقل‌باوری» می‌داند.

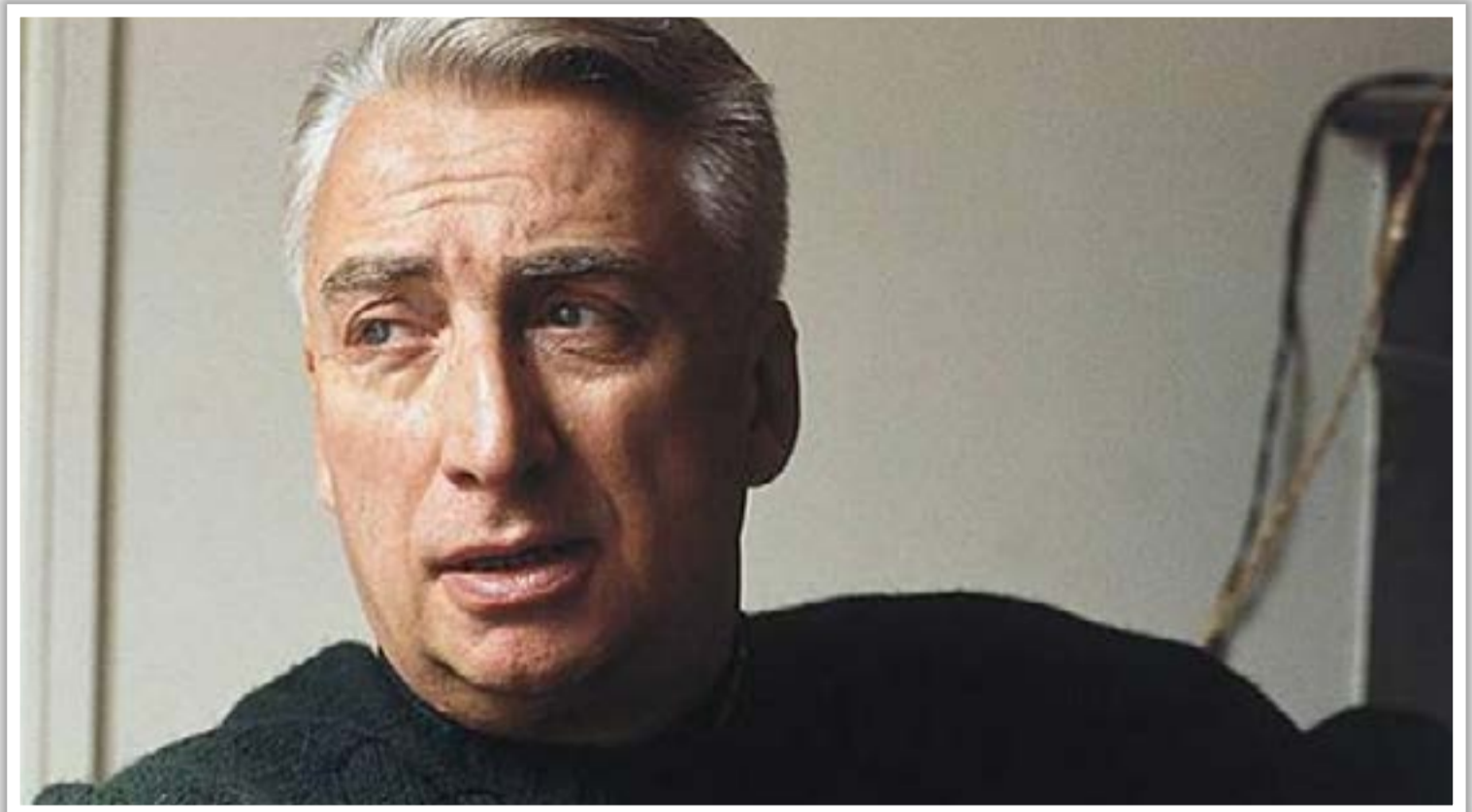
تأکید برلین بر اهمیت تفکرات هامان احتمالاً زمانی به‌خوبی درک می‌شود که مقطع تاریخی ضدیت‌های هامان با نهضت روشن‌گری را به‌یاد آوریم: عصری طلایی برای اروپای خواهان دگرگونی؛ عصری که نهضت روشن‌گری همراه با قیام‌هایی که به رهبری طبقه نوظهور بورژوازی صورت می‌گرفت، آمده بود تحولی نوین در ساختار سیاسی اجتماعی اروپای کهن و در حال اضمحلال به وجود آورد و بدان امید و جان تازه‌یی بدمد. اگرچه شاید بزرگ‌ترین خطای روشن‌گری را بتوان در بی‌توجهی به تفاوت‌های فرهنگی و طبقاتی یا به عبارتی دیگر، نادیده انگاشتن مطالبات اجتماعی، فرهنگی از یک‌سو و خاستگاه طبقاتی، اجتماعی از سوی دیگر دید که به همین دلیل هم لاجرم در چارچوب فلسفی خود با طرح‌واره «انسان انتزاعی» روبه‌رو گردید؛ همان انسان تک‌ساحتی، غیرواقعی، خشک و غیرخلاق که گویا تقریباً در همه زمان‌ها از قوانین عقلی یکسانی پیروی می‌کند (البته «عقلی» که دائماً فراموش می‌شود از مهم‌ترین خصیصه آن یعنی خصلت تاریخی‌اش نامی برده شود). اما مسأله این است که این خطای فلسفی - چنان‌چه توسط بسیاری از منتقدین تذکر داده شده است - قابل تصحیح و گاه حتی قابل اغماض است.



(بخوانیم عقلانیت تک‌ساحتی) تأملاتی صورت گرفته است. بنابراین، امروز این امکان برای مخاطب پارسی‌زبان هم پیدا شده است تا با تأمل و فارغ از تعصب، گذرگاه‌های افراط و تفریط دوره‌های گذار در جوامع اروپایی، را مورد بررسی قرار دهد و با توجه به پیش‌فهم‌های برخاسته از شرایط تجربی خویش، به درک جدیدی از خود و جهان دست یابد: درک و تجربه‌یی که از یک‌سو مبتنی بر شرایط و مطالبات اجتماعی جامعه سنتی ماست و از سوی دیگر بر پایه شهروند جهانی بودن شکل یافته است. به عنوان مثال، امروزه رفته‌رفته آموخته‌ایم حتی اگر به اصلاحات صوری هم باور نداشته باشیم و خواهان برساختن جامعه مدنی به شیوه دموکراتیک و همه‌گانی هستیم، این عمل بدون بحث و گفت‌وگو درباره ماهیت آن نمی‌تواند اتفاق افتد. زیرا در هر جامعه در حال تحول، هرچه حوزه گفتمان‌ها در قلمرو پرسش و مطالباتی که به شکل نوین تولید می‌شوند (فی‌المثل درباره چپ‌یستی آزادی و حد و

چه‌گونه، در چه حد و حدود و به چه شکل و هیبتی در جامعه ما شکل گرفت، موضوع بحث نیست؛ در این‌جا فقط به نگرشی خواهیم پرداخت که مخالف سرسخت این ساختار در همان دوره شکل‌گیری‌اش است. دقیق‌تر بگوییم، به اندیشه‌های یوهان گئورگ هامان خواهیم پرداخت؛ متفکری که هرچند در عصر روشن‌گری زیست، اما بر خلاف جریان تاریخی آن اندیشید و سرسختانه و با تعصبی فراوان نسبت به تحولات محیط اجتماعی خویش واکنش نشان داد و در نتیجه کورکورانه علیه آزادی، جامعه عقلانی و تساهل فکری جنگید.

مسئله عصر روشن‌گری هم به دلیل موقعیت گذار از یک وضعیت اجتماعی به وضعیتی دیگر، هم‌چون تمامی دوره‌های گذار عاری از عیب و ایراد و یا بهتر بگوییم افراط و تفریط نیست. خصوصاً که در آن دوره تاریخی طبقه بورژوازی، مهم‌ترین و اصلی‌ترین حامی این نهضت محسوب می‌شد: طبقه‌یی نوظهور و رزمنده که آمده



# رولان بارت در میانه

## متن و اثر

نویسنده: جیان هان

برگردان: عزت‌الهج فروغی

بخش نخست

مقدمه:

رولان بارت تقریباً در تمامی جریان‌های مهم نقد ادبی دوران پس از جنگ، ایفای نقش کرده است. بارت ضد تجدد که نگاهی به سوی گذشته دارد، به قدر بارت آوانگارد که مؤلف «اس/زد» است، شهره نیست. سیر تکوین نظریه‌اش با آمدن او در میانه مفهوم متن و اثر، آوانگاردیسم و کلاسیسیسم تجلی می‌یابد. تحلیل این موقعیت‌های نظری به ما امکان می‌دهد تا چالش‌های نقد ادبی را بهتر واکاوی کنیم.

**کلمات کلیدی:** رولان بارت، متن، اثر، آوانگارد، کلاسیسیسم.

رولان بارت که از سوی محققین چینی از سال‌های دهه ۸۰ میلادی بسیار مورد خوانش و مطالعه قرار گرفته است، به عنوان یک نظریه‌پرداز بزرگ آوانگارد شناخته می‌شود که با مقوله ساختارگرایی و مفهوم متنتیست تأثیر قابل توجهی بر تیوری ادبی گذاشته است. بارت در همه جریان‌های ادبی پس از جنگ حضور داشته است؛ هم‌چون یک مارکسیست و اگزیستانسیالیست، جامعه‌دهه ۵۰ را مورد نقد قرار می‌دهد؛ مثل یک ساختارگرا تلاش می‌کند علم ادبیات جدیدی در سال‌های دهه ۶۰ پدید آورد، مثل یک پساساختارگرا با خوانش و بازنویسی متن در سال‌های دهه ۷۰، در پی لذت است و در سال‌های پایانی عمرش هم‌چون یک ضد تجدد به سرخوشی از خواندن آثار کلاسیک روی می‌آورد. او در نقد ادبی فرانسه یا تولید ادبی، جایگاه ویژه‌ای دارد. او به نظام تحصیلی علاقه‌ی نشان نمی‌دهد اما در سال ۱۹۷۷ کرسی معنانشناسی ادبی کلژ دو فرانس را به عهده می‌گیرد؛ او پرچم‌دار آوانگارد شناخته می‌شود اما در سال‌های آخر عمرش تلاش کرد که به سنت رجعت کند. آرای وی از «درباره راسین» گرفته تا «اس/زد»، اغلب محل بحث و جدل‌های شدیدی بوده است. او در تمام مدت زندگانی‌اش بین سرخوشی و واقعیت،

قضوات زیبایی‌شناختی و اختیار دانایی در نوسان بود. پیچیده‌گی این مرد ما را بر آن می‌دارد که مکاتب و آرای ادبی را مورد توجه و ملاحظه قرار دهیم. سعی می‌کنیم که از خلال دو کلمه کلیدی، خط سیر فکری این اندیشمند را برای نشان دادن نگرانی‌های معنوی و نظری و هم‌چنین چالش‌های نقد فرانسه از زمان جنگ تحلیل کنیم. این دو کلمه، اثر و متن هستند.

**۱- از اثر به متن**

نقد ادبی فرانسه از سال‌های پایانی دهه ۶۰ با مطرح شدن مفاهیم جدیدی هم‌چون متنتی، متن‌نوشتنی (scriptible) یا ناخوانا، بینامتنیت و غیره دست‌خوش شور و هیجان بسیار گردید. ظهور مفهوم متن و جایگزین شدن آن با مفهوم اثر، منتقدین را دچار شوک کرد. پیشتر اثر و متن در گفتمان‌های ادبی دو اصطلاح معمولی به شمار می‌آمدند. متن بر عنصر اصالت اثر تأکید دارد و اثر بیان‌گر ارزش زیبایی‌شناختی است؛ اولی یک پدیده است و دومی نشان‌دهنده عمق و غنا می‌باشد. از سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ مفهوم اثر مورد بحث و بررسی قرار گرفت و متن به یک مفهوم کلیدی مبدل شد. از یک‌سو اصطلاح اثر دیگر مورد توجه ساختارگرایان که بر جست‌وجوی اصول هر حوزه گفتمانی متمرکز می‌شوند و از داوری در مورد ارزش چشم‌پوشی می‌کنند، قرار نمی‌گیرد و از سوی دیگر، نظریه‌پردازان متنتی سعی کرده‌اند مفهوم متن را جایگزین مفهوم اثر کرده و این طبقه‌بندی را دگرگون سازند؛ به این ترتیب که متن، ارزش و اثر، ضد ارزش خواهد بود. بارت در بطن این جریان، مقالات مهمی برای پیشبرد جنبش «از اثر به متن» منتشر ساخت. وی در مقاله‌ی که در عنوان آن از این اصطلاح استفاده شده بود، می‌گوید: «در برابر اثر - مفهومی سنتی که برای مدت‌ها تصور می‌شد و امروز شاید بتوان آن را به نوعی، «نیوتنی» خواندش - مقوله جدیدی متولد می‌شود که مولود لغزش یا دگرگونی انواع پیشین است. این مقوله همان متن (Texte) است» (۱). اثر به طور سنتی ماوراء متن بود، متن و اثر هرچند از نظر

جوهره یکسان‌اند، اما این اثر است که عهده‌دار ارزش ذهنی انسان است. از نظر منتقدین باید از تحلیل متن به اثر رسید تا بتوان به دنیای ذهنی مولف پیوند خورد. اما محققین جوان که با موفقیت زبان‌شناسی نوین انگیزه‌های بسیاری یافته‌اند، دیگر از این شیوه گفتاری ادبیات رضایت ندارند؛ زیرا به زعم آن‌ها این شیوه فقط یک گپ ادبی است که فاقد بنیان علمی است.

بارت پرچم‌دار اندیشه جدیدی است که تلاش می‌کند هر متن را در سیستم زبان‌شناختی یا در معنای عام‌تر در سیستم انسان‌شناختی بگنجانند. او تلاش کرد در همان دوره ساختارگرایی‌اش دانشی بر اساس متون عینی پدید آورد که شرحی جامع بر کلیه متون اعم از واقعی یا مجازی باشد. حرف بزرگ (Texte) بیان‌گر یک ماوراء است؛ ماورایی که غیر از ماوراء اثر است. اگر بارت از یک «چیز جدید» مثلاً متن (Texte) صحبت می‌کند، به جاست بگوییم که این امر ما را و می‌دارد تا نگاه جدیدی برای متحول ساختن آگاهی‌مان نسبت به زبان و گفتمان ادبی و نیز رهنمون ساختن خود به سوی هدفی به جز نقد سنتی داشته باشیم.

امروزه دیگر به متن ادبی نه در همان دنیای مخصوص به آن، بلکه در ارتباطش با هر سیستم نشانه - معناشناختی نگریسته می‌شود. چنین نظری از نظر رومان یاکوبسون در سخنرانی معروفش زیر عنوان «زبان‌شناسی و زبان شعر» مسلم به نظر می‌رسد:

زبان‌شناس که حوزه مطالعه‌اش همه شکل‌های زبانی را دربرمی‌گیرد، می‌تواند و باید شعر را در پژوهش‌هایش بگنجانند [...] در حقیقت همان‌طور که اولاندر می‌گفت «به نظر می‌رسد به طور کلی هیچ دلیل معتبری برای تفکیک مباحث ادبی از مباحث زبان‌شناسی وجود ندارد». اگر هم منتقدینی هستند که در مورد توانش زبان‌شناسی در حوزه شعر به دیده تردید می‌نگرند، من بر این گمانم که این تردید نشأت گرفته از عدم صلاحیت شعری چند زبان‌شناس محدود است که آن نیز خود ناشی از عجز اساسی آن‌ها در علم زبان‌شناسی است. با این وجود هر یک از ما قطعاً دریافته است

که بی‌توجهی یک زبان‌شناس به نقش شعر هم‌چون یک متخصص ادبیات بی‌تفاوت نسبت به مشکلات و بیگانه با روش‌های زبان‌شناسی، جمله‌گی خطایی فاحش هستند. (۲)

در این بلندپروازی علم، اثر دیگر نمی‌تواند به عنوان عمقی ناپیدا که تلاش می‌شود بدان دست یافت، نگریسته شود و دیگر چیزی نیست که بتوان آن را به عنوان یک امر مطلق و پایان یافته در نظر گرفت؛ بلکه فقط حقیقتی خواهد بود در میان یک سری امور مجازی. از همین رو دیگر به عنوان یک نقد که کارکرد اصلی‌اش «برپایی گفت‌وگو میان متن و نفس فرد به صورت آگاهانه و/یا ناآگاهانه، فردی و/یا جمعی، خلاقانه و/یا منفعلانه است مطرح نخواهد بود» (۳) بلکه به عنوان یک دانش نشانه‌شناسی که یک بحث دیالکتیکی بین متن و منطقی عمومی نشانه‌ها و گفتمان‌ها، بین واقعیت و عنصر مجازی به راه می‌اندازد، مطرح می‌شود.

**۲- از اختیار حقیقت تا اختیار لذت**

با این وجود، بارت به این پروژه دانش ادبی که می‌تواند کارکرد عملی را زایل و متون ادبی را (با حذف ارزش تفاوت‌ها) به اصولی جهان‌شمول تبدیل کند، بسنده نمی‌کند. بارت با درک نواقص ساختارگرایی و رها کردن اختیار حقیقت، به کارکرد عملی واژه‌ها و بازی متون رو می‌آورد. در اثرش زیر عنوان «اس/زد» با نشان دادن متن کلاسیک بالزاک به صورت یک متن مدرن و نوشتنی (scriptible)، نقادی بی‌سابقه بر آن وارد می‌کند. بارت در گفت‌وگویی با ریوموند بلور می‌گوید: «حال باید عرصه مبارزه را قدری فراتر برد، باید نه فقط نشانه‌ها (دال‌ها از یک‌سو و مدلول از سوی دیگر) بلکه خود انگاره نشانه را مورد تشکیک قرار داد؛ کاری که شاید بتوان آن را نشانه‌شکنی (Semioclastie) نامید» (۴). تمام این کار با خواست و اختیار جست‌وجوی لذت انجام می‌شود و به تعبیر بارت «لذت آن چیزی نیست که موجب سرخوشی می‌شود (رضایت) بلکه چیزی است که این سرخوشی را غافل‌گیر کند، از آن فراتر رود، مسیر آن را عوض کند و در آن انحراف ایجاد کند. برای دست‌یابی به یک اسلوب درست از آن‌چه که می‌تواند انجام شود و هم‌چنین انحراف از موضوع باید به سوی تصوف روی آورد» (۵). لذتی که بارت برای آن ارزش قایل است، از سرخوشی متمایز است؛ زیرا اساس لذت بر عدم تجانس تجربه مبتنی است، درحالی‌که سرخوشی بر خود تجانس: خواننده از خواندن اثر ادبی لذت می‌برد و متن نیز با تخطی از آن‌چه پیشتر وجود داشته است، به او انرژی می‌بخشد. سرخوشی تکرار زیبایی است و لذت نیز ناشی از هر آن چیزی است که این دید قالبی را می‌شکند و این همان تقابل بارت در میانه لذت و سرخوشی است:

«زبانی که من با آن حرف می‌زنم، زبان عصر من نیست؛ این زبان به طور طبیعی در معرض شبه‌ایدیولوژیک است. بنابراین باید با این شبهه مبارزه کنم. من می‌نویسم زیرا واژه‌هایی که می‌یابم را نمی‌خواهم: به همین ساده‌گی. پس این زبان ماقبل آخر همان زبان سرخوشی من است: من در طی شب آثاری از زولا، پروست، ورن، مونت کریستو، خاطرات یک توریست و گاهی نیز آثار جولین گرین می‌خوانم. و این سرخوشی من است اما لذت من نیست: لذت فقط با ورود یک مقوله جدید مطلق حاصل می‌شود، زیرا فقط مقوله جدید می‌تواند آگاهی را متزلزل کند (کار آسانی است؟ به هیچ‌وجه: در ۹۰ درصد موارد، مقوله جدید چیزی جز همان نگاه کلیشه‌ی به یک چیز جدید نیست)». «مقوله جدید یک مد نیست، بلکه یک ارزش است که مبنای هر نقد به شمار می‌رود: ارزیابی ما از جهان دست‌کم به صورت مستقیم، آن‌گونه که نیچه معتقد است، دیگر به تقابل اشراف‌زاده‌گی و فرومایه‌گی بستگی ندارد، بلکه به تقابل قدیم و جدید بسته‌گی دارد [...] مقوله جدید، همان لذت است [...] یک خشم (حاشیه‌ی، بیرونی) به سوی تجدد - یک خشم آتشین که می‌تواند تا سرحد انهدام گفتمان پیش برود: اقدامی برای ظهور مجدد تاریخی لذت سرکوب شده در زیر یک تفکر کلیشه‌ی.»



# نتایج مبهم

# سفر رییس جمهور غنی به پاکستان

احمد عمران

رییس‌جمهور غنی همراه با یک هیأت بلندپایه از مقام‌های کشور در یک سفر دو روزه به پاکستان رفت. این نخستین سفر آقای غنی پس از احراز پست ریاست‌جمهوری به کشوری است که در سیزده سال گذشته با افغانستان روابط پُر جنجال داشته است. پاکستان هر چند در همسایه‌گی افغانستان قرار دارد و مقام‌های دو کشور دم از برادری و مناسبات حسنه می‌زنند، ولی به همان میزان یکدیگر را متهم به دخالت در امور کشورهای خود می‌کنند.

در سیزده سال گذشته، آقای کرزی رییس‌جمهوری پیشین، بیست‌ویک بار به پاکستان سفر کرد آن‌هم به این امید که بتواند با مقام‌های این کشور در مورد تأمین صلح و گفت‌وگو با مخالفان مسلح به نتیجه برسد. اما این سفرها نه تنها برای آقای کرزی دستاوردی نداشت، بل او را در معرض انتقادهای شدید از سیاست‌هایش در برابر پاکستان قرار داد. هر بار که آقای کرزی به پاکستان سفر کرد، منتقدان سرسخت او با نیش و کنایه، سفرهای او را بی‌هدف و خالی از دستاورد توصیف کردند.

یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات آقای کرزی در طول زمان زمامداری‌اش (البته اشتباه‌های آقای کرزی کم نیستند که بتوان به‌ساده‌گی همه را ردیف کرد) نوع روابط و مناسباتش با پاکستان بود. آقای کرزی به‌حدی در روابط خود با پاکستان دچار کُز فهمی و تناقض‌های آشکار شد که برخی روزنامه‌نگاران آن را در قالب طنز بیان کردند. به باور بسیاری از آگاهان مسایل سیاسی، اشتباهات آقای کرزی از آن‌جا ناشی می‌شد که در روابط خود با پاکستان دچار تزلزل و تناقض آشکار بود. او گاهی پاکستان را لانه تروریستان می‌خواند و از نیروهای بین‌المللی تقاضا می‌کرد که این لانه‌ها را هدف قرار دهند و جنگ را به گفته او به مناطق اصلی تمویل و تجهیز نیروهای مخالف یعنی پاکستان بکشانند. اما روز بعد آقای کرزی این سخنان را به فراموشی می‌سپرد و می‌گفت اگر کدام کشور دیگر به پاکستان حمله کند (منظور امریکا) افغانستان در دفاع از این کشور خواهد ایستاد و از پاکستان دفاع خواهد کرد. به طوری که همه گیج می‌شدند کدام حرف رییس‌جمهوری را درست بدانند؛ حمله

## نخستین سفر غنی به پاکستان...

«سفر رییس‌جمهور به پاکستان به این معنا است که از - منظر دولت‌مردان کابل، تا زمانی که پاکستان همکاری جدی و صادقانه در قسمت مبارزه با تروریسم و آوردن امنیت در کشور نداشته باشد، دست‌یابی به این هدف سخت و دشوار خواهد بود.»

این عضو مجلس تأکید می‌کند: «تاکنون علی‌رغم سفرهای مکرر رییس‌جمهور پیشین افغانستان به پاکستان، کدام دست‌آوردی در ارتباط به جلب نظر مساعد و همکاری پاکستان در امر مبارزه با تروریسم به وجود نیامده است. اما او ابراز امیدواری کرد که با توجه به تغییراتی که در منطقه و افغانستان به میان آمده است، انتظار می‌رود تا دستگاه دیپلماسی افغانستان با در پیش گرفتن رویه متفاوت از گذشته، قدم‌هایی را بردارد تا پاکستان را وادار کند که در قبال افغانستان جهت خود را تغییر داده و اعتماد میان هر دو کشور را بیشتر گرداند.»

آقای سجادی تصریح کرد: در این راستا دولت افغانستان، ابزارهایی را که در دست دارد باید استفاده کند؛ این ابزارها، اعمال فشار از راه‌های دیپلماسی از طریق کشورهای دوست و همکار با افغانستان و جامعه جهانی و ابزارهای اقتصادی دنیا است که می‌توانند پاکستان را ترغیب به همکاری کنند.

داکتر سجادی هم‌چنان می‌گوید: داشتن دیدگاه واحد

## سه سرباز در یک حمله...

گرفتند. در نتیجه این حمله انتحاری سه تن از نیروهای بین‌المللی مستقر در میدان هوای بگرام زخم برداشتند اما به افراد ملکی کدام آسیب نرسیده است.»

به پاکستان یا دفاع از پاکستان را!

جالب این‌جاست که آقای کرزی برای هریک از این ادعاها دلایل آن‌چنانی هم فراهم می‌کرد و به خورد رسانه‌ها می‌داد. حالا اما رهبران دولت وحدت ملی با چه آجدایی به پاکستان سفر کرده‌اند؟ آیا این سفر در راستای سفرهای آقای کرزی خواهد بود و بیست‌ودومین سفر مقام‌های افغانستان به پاکستان نام خواهد گرفت و یا این‌که آقای غنی با طرح و برنامه مشخص به این سفر رفته و تلاش می‌کند که روابط دو کشور را وارد فصل تازه‌یی سازد. از این فصل تازه، پیش از این مقام‌های پاکستانی خبر داده و گفته‌اند که خواهان ایجاد روابط تازه با رهبران تازه افغانستان هستند.

در همین حال در یک ماه گذشته، بیشترین سفر به افغانستان را مقام‌های کشور پاکستان داشته‌اند. نخست مشاور شورای امنیت نخست وزیر پاکستان به افغانستان سفر کرد، دومین مقام رییس ستاد مشترک آن کشور بود و آخرین مورد هم، رییس جدید آ‌س‌آ‌ی یا سازمان استخباراتی این کشور به افغانستان سفر کرد و گویا در همین سفر، بحث دعوت نخست‌وزیر پاکستان از رییس‌جمهوری افغانستان مطرح شده است.

پاکستانی‌ها در آغاز می‌خواهند با دعوت از رییس‌جمهوری جدید، حُسن نیت خود در مورد افغانستان را به رهبران دولت وحدت ملی نشان دهند؛ همان حسن نیتی را که همواره به آقای کرزی نشان داده بودند. در گام دوم، پاکستانی‌ها می‌خواهند اطمینان پیدا کنند که دولت جدید در مسایل منطقه‌یی آن‌ها را دور نخواهد زد و در روند صلح به این کشور مراجعه خواهد کرد. و در سومین گام نیز پاکستان نگران منافع اقتصادی خود از مسیر افغانستان است و تلاش دارد که زمینه‌های همکاری بیشتر دولت‌مردان افغانستان را در این زمینه و ایجاد راه بازرگانی به کشورهای آسیای میانه باز کند.

در همین حال، با توجه به هیأتی که آقای غنی را در این سفر همراهی می‌کند، گمان می‌رود که مسایل صلح نیز بخشی از آجدای این سفر باشد. از دو منظر احتمال بحث در این مورد وجود دارد.

نخست این‌که مشکل اساسی افغانستان با پاکستان

و منظم از طرف حکومت افغانستان که از پشتوانه افکار عمومی و همه حلقات سیاسی داخلی برخوردار باشد، شرط اول موفقیت در ارتباط با تعاملات با پاکستان می‌باشد.

در عین حال، نقیب‌الله فایق عضو دیگر مجلس نمایندگان می‌گوید: «این سفر در زمانی صورت می‌گیرد که هم حکومت پاکستان قدرت‌مند می‌شود و شورش‌های داخلی را آرام می‌سازد و می‌تواند از تمام مردمش نماینده‌گی کند و از جانب دیگر حکومت وحدت ملی در افغانستان نیز رهبری جدید را دارد که نسبت به دوره پیش تفاوت دارد.»

آقای فایق تأکید می‌کند: به‌خاطر همکاری پاکستان در امر مبارزه با تروریسم و آوردن صلح در کشور، تمام تلاش‌هایی که از نظر دیپلماتیک نیاز بود انجام شده و خوشبین هستم که پاکستان این بار همکاری صادقانه داشته باشد.

این عضو مجلس نمایندگان تصریح می‌کند: پاکستان پیش از این جلوگیری از گسترش نفوذ هند و مسایل مرزی را پیش‌شرط می‌گذاشت. اما به باور این عضو مجلس، این بار پیش‌شرطی وجود نخواهد داشت و اگر بازمهم این پیش‌شرطها مطرح شود، حکومت افغانستان نمی‌تواند آن را قبول کند.

این عضو مجلس باور دارد که خط دیورند به تاریخ پیوسته است و مطرح کردن این مسأله پاکستان را نسبت به افغانستان بی‌باور خواهد ساخت و اگر

به گفته وی؛ تاکنون هويت شخص انتحار کننده معلوم نیست؛ اما نیروهای امنیتی تحقیقات خود را در زمینه آغاز کرده‌اند.»

ذبیح الله مجاهد که خود را سخنگوی طالبان معرفی می‌کند در یک پیام تلفونی به جمهور گفته است که

مشکلات امنیتی است؛ مشکلاتی که به نحوی دو طرف یکدیگر را در آن مقصر می‌دانند. هر بار که رهبران افغانستان از سیاست‌های پاکستان در حمایت از گروه‌های تندرو و مخالف دولت انتقاد می‌کنند، مقام‌های پاکستانی نیز از همان حربه برای مقابله سود می‌جویند. این سیاست تا به حال نتیجه‌بخش نبوده و به تیره شدن هرچه بیشتر مناسبات دو کشور انجامید است. حالا نیاز است که ضمن تجدید نظر در این سیاست، دو کشور روی طرح تازه‌یی برای حل مناقشات خود فکر کنند.

دوم این‌که چین برای پادرمیانی در مذاکرات صلح میان افغانستان، پاکستان و طالبان اعلام آمادگی کرده است. اخیراً مقام‌های چین اعلام کرده‌اند که طرحی را به دولت افغانستان سپرده‌اند که بر مبنای آن به‌زودی گفت‌وگوهای چهارجانبه در مورد صلح در منطقه و افغانستان آغاز می‌شود. هنوز جزئیات این طرح و محل و زمان برگزاری این گفت‌وگوها به بیرون درز نکرده است، ولی از ظاهر قضایا پیداست که چین علاقه‌مندی دارد که در گفت‌وگوهای صلح با طالبان، دولت افغانستان را کمک کند.

و اما نکته کلیدی در مورد مناسبات پاکستان با افغانستان که رهبران دولت وحدت ملی نباید آن را نادیده بگیرند، بحث‌های مرزی میان دو کشور است. بسیاری از آگاهان باور دارند که مشکلات مرزی با پاکستان سبب شده که تنش‌ها میان دو کشور برچیده نشوند. به صورت آشکار باید گفت که مسأله دیورند هنوز یک قضیه پایانیافته برای هر دو کشور همسایه است. دولت وحدت ملی چه‌قدر توانایی و جسارت دارد که به این موضوع بپردازد.

بحث این نیست که کدام کشور در مواضع خود در مورد جنجال دیورند مُحق است؛ بل بحث بر سر این است که این مشکل چه‌گونه به صلاح هر دو کشور حل‌وفصل شود. پنهان‌کاری در این خصوص راه به جایی نمی‌برد و مردم افغانستان هم کودک نیستند که ندانند مشکل اصلی کشورشان با همسایه جنوبی بر سر چیست. حالا جسارت لازم است و تدبیر تا افغانستان یکی از مهم‌ترین معضلات مرزی خود را آفتابی و حل سازد.

حکومت افغانستان روی آن بحث نکند، آرزومندی بیشتر برای همکاری وجود دارد.

هم‌چنان، میراحمد جوینده فعال مدنی و عضو پیشین مجلس نمایندگان می‌گوید: فکر می‌کنم بعد از تشکیل حکومت وحدت ملی در افغانستان، برداشت پاکستانی‌ها در ارتباط به افغانستان هم تغییر کرده است.

آقای جوینده می‌افزاید: آرزو دارم که نخستین سفر رییس‌جمهور ادامه «سفرهای طفلانه» آقای کرزی نباشد و دولت وحدت ملی با طرح‌ها و برنامه‌های لازم بتواند پاکستانی‌ها را قناعت دهد.

او تأکید می‌کند: رییس‌جمهور باید شواهد و اسنادی که در دست دارد را بر سر میز پاکستان بگذارد و نوع نگرش پاکستان را تغییر دهد.

گفتنی است که این سفر دو روز به طول می‌انجامد و آقای غنی با ممنون حسین رییس‌جمهوری، نواز شریف نخست‌وزیر و سرتاج عزیز مشاور نخست‌وزیر و شماری از رهبران احزاب سیاسی پاکستان دیدار و گفت‌وگو خواهد کرد.

در این خبرنگار آمده است که گسترش و تحکیم روابط و همکاری‌های دو جانبه در عرصه‌های مختلف از موضوعات اصلی گفت‌وگوهای دوطرف است.

آقای غنی در این سفر با شماری از بازرگانان افغانستانی و پاکستانی و همچنین اعضای گروه دوستی پارلمانی افغانستان - پاکستان نیز دیدار و گفت‌وگو خواهد کرد.

حمله کننده انتحاری سوار بر موتورسیکلت نیروهای بین‌المللی را هدف قرار داده است.

وی تصریح کرد که در این جریان به این نیروها تلفات و خساراتی وارد شده است.

طالبان از آمار این تلفات چیزی نگفته‌اند.

## مجرمان اصلی پرونده کابل...

به ده‌سال زندان محکوم شده و باید ۱۳۷ میلیون دالر پول اختلاس شده و مبلغ ۵۹ میلیون دالر بهره آنرا که در مجموع ۱۹۶ میلیون دالر می‌شود پرداخت کند. علاوه بر آنان تمام اموال منقول و غیر منقول خلیل الله فیروزی و شیرخان فرنوند نیز باید براساس حکم محکمه ابتدایی توقیف شود.

دادگاه ویژه کابل بانک در نشست سه‌شنبه (۱۱ نوامبر/۲۰ عقرب سال روان، حکم تبتیت، ثبت و منجمد شدن جای‌دادهای محمود کرزی و حصین فهیم، حاجی محمد طاهر ظاهر، غلام داوود نصیب، صوفی نثار احمد، شکرالله شکران، حیات الله کوچکه، تاسیسات نفتی حیرتان، کابل نفت، شرکت هوایی پامیر، گلپهار حبیبی، عبدالغفار داووی، اخترگل، ملک جان، محمد طاهر، گلپهار تاور، صرافی شاین، آریانا استیل، ظاهر گروپ و گاز گروپ به عنوان متهمان پرونده اختلاس کابل بانک را صادر کرد. براساس حکم قاضی این پرونده تمام دارایی‌های منقول و غیر منقول افراد ذکر شده مطابق قانون، تشخیص و تا پرداخت تمامی بدهی‌های کابل بانک مسدود می‌شود و تاخیر محکومان در پرداخت بدهی‌های بانک باعث پیگرد قانونی آنان خواهد شد براساس این حکم دادستانی افغانستان موظف است که فهرست ۲۲۷ نفری را که شیرخان فرنوند، رییس پیشین هیات مدیره این بانک، به دادستانی/سارنوالی ارائه کرده است، مورد بررسی قرار دهد.

اما آگاهان می‌گویند که مجرمان اصلی این پرونده یا تشخیص داده نشدند و یا اگر تشخیص شدند براساس معیارهای حکومت قبلی بوده است که بعضی‌ها را به عنوان مجرم اصلی و بعضی‌ها را به حیث مجرم عادی جلوه داده‌اند.

طاهرهاشمی، استاد دانشگاه کابل، می‌گوید که مدیریت رسیده‌گی به این پرونده برای مردم افغانستان بسیار روشن نیست و بسیاری از کسانی که در این جرم (فروپاشی کابل بانک) شریک اند، حتا نام شان در این پرونده اصلا وجود ندارد.

وی افزود: بسیاری از کسانی که مجرم اصلی در این پرونده اند، یا تشخیص نشده‌اند و یا اگر تشخیص شدند براساس معیارهای حکومت قبلی بود که بعضی‌ها را به عنوان مجرم اصلی و بعضی‌ها را به حیث مجرم عادی جلوه دادند که این مساله یک بخش بزرگی از مشکل این پرونده است.

این استاد دانشگاه گفت، هرچند داکترغنی به صورت قاطعی خواستار پی‌گیری این پرونده است؛ اما چون اساس این دوسیه به درستی گذاشته نشد؛ بنابراین بررسی این پرونده به زمان زیادی نیازاست. او با اشاره به زمان تعیین شده از جانب رییس‌جمهوری به خاطر حل مساله کابل‌بانک می‌گوید: هدف رییس‌جمهور از تعیین ضرب‌العجل یک‌ونیم ماهه به خاطر رسیده گی به پرونده شاید این بود که کار رسیدگی به این پرونده با قاطعیت به پیش برود. او تأکید کرد، هدف داکترغنی این نبوده که این پرونده در طی ۴۵ روز به اتمام برسد، زیرا چنین کاری ممکن نیست، بنابراین هدف اصلی اقدام جدی در این زمینه بوده است.

عارف رحمانی عضو مجلس نمایندگان می‌گوید که پرونده کابل بانک در طی یک‌ماه حل ناشدنی است؛ زیرا با توجه به وضعیت پرونده، ممکن نیست که در یک‌ماه نتیجه مطلوب به دست بیاید؛ مگر اینکه صورت مساله را پاک کنیم و بگویم که عدالت تأمین شده و مجرمین به زندان فرستاده شدند وعده‌یی هم محکوم به پرداخت جریمه شدند.

او تأکید کرد: دادگاه کابل‌بانک باید در خصوص این پرونده شفاف و صادقانه عمل کند و عوامل دست اول، دوم و سوم را شناسایی و در یک فضای شفاف محاکمه کند.

وی می‌گوید: این دادگاه توانایی این را دارد که کسانی را که در قضیه کابل بانک دخیل بودند و همین اکنون در حکومت فعلی حضور دارند، محاکمه کند و نیز پولیس و مقامات زیربیط توانایی این را ندارد که عاملان اصلی این پرونده را که فراری اند دستگیر کرده و به پای میز محاکمه بکشانند. وی تصریح کرد که من خیلی مطمئن نیستم که این اقدامات صورت گیرد وعاملان اصلی این پرونده به دادگاه کشانید شوند. به باور او برعکس شاید چند نفری محکوم شوند و عاملان اصلی با خیالت راحت زنده‌گی خود را به پیش ببرند.

کابل بانک یگانه مرجع بزرگ و منبع پول در کشور بود که در سال ۲۰۱۰ میلادی به بحران مالی رفت و این بحران به حیث بزرگترین پرونده اختلاس در سیستم مالی کشور در طول تاریخ افغانستان گفته شده است. به گفته دادستانی کل کشور تاکنون از ۹۱۳ میلیون دالر از پول‌های گم شده این بانک ۲۲۶ میلیون آن دریافت شده است.

در دادگاه کابل بانک، دو تن از روسای پیشین کابل ادعا داشتند که آقای زاخیل وال و حاجی دین محمد پولهایی را در انتخابات ۲۰۰۹ از کابل‌بانک بیرون کشیده‌اند؛ پس چرا حکومت دستور نمی‌دهد که این دو نفر نیز بازداشت شوند و یا حداقل در دادگاه حاضر شوند.

خلیل الله فیروزی، در روز دادگاه، زاخیلوال را عامل اصلی بحران کابل‌بانک یاد کرد و از دادگاه انتقاد کرد که چرا او را مورد بازپرسی قرار نمی‌دهد. همچنان شیرخان فرنوند و خلیل فیروزی در تحقیقات شان بالای وزیر مالیه اتهام وارد کردند که او ۶۵ میلیون دالر را از کابل‌بانک کشیده است؛ اما متأسفانه در دو محکمه پرونده کابل‌بانک، حتا نامی از زاخیل وال برده نشده است. اما زاخیل وال مشاور اقتصادی رییس‌جمهور و سرپرست وزرات مالیه، در یک کنفرانس خبری با رد این اتهام‌ها گفته است که در قضیه کابل بانک و فروپاشی آن دخیل نبوده است.

# از جهان سوم به جهان اول داستان سنگاپور

## از سال ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



یکی از داستان‌های موفقیت نظام سرمایه‌داری رهبری شده مدل اجتماعی-اقتصادی‌یی که سنگاپور را از جهان سوم به جهان اول ارتقا بخشید

**بخش چهارم**

**خاطرات لی کووان یو**

**اقتباس و ترتیب: محمود کرزی**

تحقیقاتی که به‌راه انداخته شد نشان داد که توطئه منظمی در جهت غارت دارایی‌های شرکت هاپار به‌راه انداخته شده بود. برعلاوه، معلوم شد که این توطئه جزء کوچکی از تقلب‌های بزرگتری بود. فعالیت‌های جنایت‌کارانه سلینتر-واکر از سنگاپور به مالیزیا، هانگانگ و بالاخره به لندن که ذخیره‌گاه نهایی این دزدی بزرگ بود می‌رسید. سلینتر و همکارانش، با استفاده از شعبات هاپار در هانگانگ، سهام ثبت شده در آن شهر را خریداری و به شرکت سپیدار که در مالکیت کامل سلینتر-واکر قرار داشت به فروش می‌رسانیدند. سود غیرقانونی‌یی که از این راه بدست می‌آمد، میان مدیران شرکت سلینتر-واکر تقسیم می‌شد. کسانی که مسوولیت این عمل غیرقانونی را به عهده داشتند عبارت بودند از جیم سلینتر، ریچارد تالینگ، رییس شرکت هاپار، و اوگلیوی واتسن، آمر اداری آن شرکت. واتسن نخست به لندن و سپس به بلژیک فرار کرد، کشوری که ما با آن قرارداد بازگرداندن اشخاص فراری را نداشتیم. سلینتر و تالینگ ساکن لندن بودند. ما تقاضا کردیم که آنها غرض حضور در محکمه به سنگاپور برگردانده شوند؛ ولی مقامات انگلیس به تقاضای ما در مورد بازگرداندن آقای سلینتر پاسخ مثبت ندادند. در عوض، پس از سه سال دعوا در محکمه‌های لندن، بالاخره وزیر داخله برتانیه در سال ۱۹۷۹ امر بازگرداندن تالینگ را در ارتباط به پنج اتهام صادر کرد. این پنج اتهام در جمله هفده اتهام، اتهاماتی بودند که جزئی بوده و سبک‌ترین جزاها را دربرداشتند. تالینگ مورد محاکمه قرار گرفت و برای شش ماه به زندان فرستاده شد. سال‌ها بعد، او سمت گورنر بانک انگلستان را از دست داد. گوردن ریچاردسن (یکی از وکلای دعوای محاکمه تالینگ) از این‌که نتوانسته بود تالینگ را به جزای اعمالش برساند اظهار تأسف نمود (ولی اظهار تأسف او خیلی دیر بود و برای سنگاپور سودی نداشت).

شهرت نیک ادراه پولی سنگاپور (MAS) در ارتباط با قاطعیت و دقت در کنار، زمانی در سال‌های ۷۰ و ۸۰ مورد آزمایش قرار گرفت که این اداره از دادن اجازه فعالیت به بانک کریدیت و کامرس انترناسیونال یا بی‌سی‌سی‌آی (Bank of Credit and Commerce International) ابا ورزید. سهام‌داران این بانک را که توسط یک شهروند پاکستانی در لوکسمبورگ ثبت شده بود، اعضای خانواده‌های شاهی عربستان سعودی، بحرین، ابدایی، و دویی تشکیل می‌دادند. این بانک دارای ۴۰۰ شعبه در ۷۳ کشور جهان در اروپا، شرق میانه، افریقا و آمریکا بود. این بانک در سال ۱۹۷۳ درخواستی اجازه فعالیت در سنگاپور را به عمل آورد. از آنجایی که بانک سابقه طولانی فعالیت نداشت (آغاز کار آن محض به سال ۱۹۷۲ می‌رسید) و میزان پشتوانه سرمایه‌ی (capitalization) آن کافی نبود، ما درخواستی آنرا برای مجوز فعالیت رد کردیم. بانک موصوف در سال ۱۹۸۰ درخواستی خود را تجدید کرد. اداره پولی سنگاپور این درخواستی را نیز رد کرد؛ به نظر این اداره، اعتبار بین‌المللی بانک ضعیف بود.

با وجود این، بی‌سی‌سی‌آی از اراده خود صرف‌نظر نکرد. در سال ۱۹۸۲، وان اونن که ما را در امر بوجود آوردن بازار دالر آسیایی کمک کرده بود در مورد درخواستی بی‌سی‌سی‌آی جویای معلومات شد. در عین حال، مدیران بانک‌های مرکزی متعدد به کوه بینگ سینگ (Koh Beng Seng) که مدیریت دیپارتمنت بانک‌داری و مؤسسات مالی اداره پولی سنگاپور را به عهده گرفته بود، گفته بودند که آن‌ها در مورد سلامت بی‌سی‌سی‌آی چندان اطمینان ندارند. بنابراین، زمانی که

و چهارساعته دست زده و صندوق اضطراری ایرا بوجود آوردند. این صندوق ۱۸۰ میلیون دلاری به نجات تاجران سهام شتافته و از ورشکستگی آنها و سقوط بازار سهام سنگاپور جلوگیری بعمل آورد. مساعی کوه بینگ سینگ بازار تبادلۀ اسعار سنگاپور (SES) را قادر ساخت تا از سقوط سیستماتیک بازار جلوگیری نموده و اعتماد سرمایه‌گذاران را احیا نماید. این وضع برای سنگاپور بسیار پیچیده و خطرناک بود.

برای اینکه از تکرار چنین واقعه‌یی در آینده جلوگیری کرده باشیم، قانون صنعت سهام (Securities Industry Act) را تعدیل نموده و شرایط احتیاط برای شرکت‌های فروش سهام را قوی‌تر ساختیم. این امر، حمایت از مشتریان را در برابر ورشکستگی شرکت‌های فروش سهام افزایش بخشید. این شرکت‌ها، بالنوبه، برای این‌که سرمایه خود را افزایش دهند، با یکدیگر مدغم شده و بدین ترتیب توانایی مالی خود را تقویت بخشیدند. ما شراکت و سهم‌گیری خارجی‌ها را در شرکت‌های سنگاپوری عضو SES اجازه دادیم. برعلاوه، شرکت‌هایی را که ملکیت شان کاملاً در دست خارجی‌ها بود ولی مهارت‌های مورد ضرورت ما را عرضه کرده می‌توانستند، جواز فعالیت در سنگاپور را دادیم. به علت همین اقدامات مدبرانه ما بود که بازار سهام سنگاپور (SES) بحرانی را که به تاریخ نهم اکتوبر سال ۱۹۸۷ بر بازارهای سهام جهان مستولی گردید، به آسانی و خوبی سپری نمود. در این روز، که به نام دوشنبه سیاه معروف شده است، بازار سهام جهان سقوط کرد و بازار سهام هانگ کانگ مجبور شد فعالیت خود را برای چهار روز متمادی متوقف و مسدود سازد. ولی، در نتیجه ثبات سیستم و مقررات مؤثر، بازار سهام سنگاپور در این روز متقبل صدمه‌یی نشد.

پیشرفت مهم دیگری که نصیب مرکز پولی/مالی سنگاپور شد همانا ایجاد بازار پولی بین‌المللی سنگاپور ((Singapore International Monetary Exchange یا SIMEX)) بود. بازار طلای سنگاپور (Gold Exchange of Singapore) در سال ۱۹۸۴ معاملات خود را به معاملاتی توسعه داد که بر اساس قیمت پیشبینی شده طلا در آینده صورت می‌گرفت. چنین معاملات به نام گولد فیوچرز (gold futures) یاد می‌شوند. این انکشاف جدید، معامله در اوراق بهادار آینده (financial futures) را نیز امکانپذیر ساخت. در نتیجه، بازار طلای سنگاپور به بازار پولی بین‌المللی سنگاپور (SIMEX) تغییر نام داد. برای جلب اعتماد مؤسسات مالی بین‌المللی، ما SIMEX را بر بنای مدل بازار اتمعه شیکاگو (Chicago Mercantile Exchange) بنهادیم. در این بازار قیمت‌ها با صدای بلند اعلان شده و به گوش همه شرکت کنندگان بازار رسانیده می‌شوند. برعلاوه، ما بازار اتمعه شیکاگورا متقاعد ساختیم که سیستم تصفیۀ حساب متقابل را با SIMEX قبول نماید؛ این امر سبب شد تا تجارت در دو بازار (شیکاگو و سنگاپور)، به‌طور بیست و چهارساعته دوام داشته باشد. این شیوه انقلابی به سرمایه‌گذاران اجازه می‌داد تا بدون تقبل مصارف اضافی (margin)، معامله اسناد بهادار را در شیکاگو شروع و در سنگاپور به پایان برسانند؛ و یا برعکس، معامله را در سنگاپور شروع نموده و در شیکاگو ختم کنند. کمیسیون تجارت اتمعه بر اساس قیمت‌های آینده در ایالات متحده (US Commodity Futures Trading Commission) این قرارداد میان ما و شیکاگو را مناسب تشخیص داده و بر آن مهر تائید گذاشت. سیستم تصفیۀ حساب متقابل از زمان ایجاد SIMEX تا کنون بدون هیچ‌نوع مشکلی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. زمانی که نیک لیسن یکی از تاجران SIMEX مربوط به شرکت بیرینگز (Barings)، در سال ۱۹۹۵ در یک عملیات احتکاری شاخص آینده نیکای (شاخص قیم آینده سهام جاپان) بالاتر از یک میلیارد دالر ضرر کرد، هرچند او سبب تباهی بانک بیرینگز شد، ولی سایر اعضای SIMEX و مشتریان شان از این جهت صدمه‌یی ندیدند. این امر بدون شک مرهون ثبات دورنی SIMEX و درایت مدیران آن بود.

کوتیک پول‌های این بانک را در راه مقاصد شخصی خود، منجمه خرید سهم اکثریت استاندارد چارتر بانک لندن، مورد استفاده قرار داده بود. پسر بزرگ او که رییس بانک بود در برونی توقیف شد. بانک‌های سنگاپور، عمدتاً بانک‌های خارجی، ۴۱۹ میلیون دالر به بانک ملی برونی قرضه داده بودند. آقای کوتیک پس از دو سال توانست این قرضه‌ها را دوباره بپردازد. اداره پولی سنگاپور تحت رهبری گاه بینگ سینگ توانست که تطبیق نظارت محکم و دقیق مؤسسات مالی/پولی، سنگاپور را در امر تبارز به حیث یک مرکز پولی/مالی جهان کمک نماید. اداره پولی سنگاپور چهار بانک بزرگ کشور را تشویق کرد تا بانک‌های کوچک‌تر محلی را خریداری و در خود مدغم نمایند تا بزرگ‌تر و قوی‌تر شده و بتوانند با بانک‌های بزرگ بین‌المللی رقابت نمایند. مودی، دفتر درجه بندی شرکت‌های مالی امریکا، چهار بانک بزرگ ما را از نگاه قوت و میزان سرمایه، در شمار بهترین بانک‌های جهان رده بندی نموده بود.

در سال ۱۹۸۵ اداره پولی سنگاپور مجبور شد در امر مدیریت بحرانی که بر بازار سهام کشور (SES) مستولی شد کمک نماید. قضیه از این قرار بود که محترکین سهام، خاصتاً شرکت تان کون سوان، سهام شرکت Pan Electric Industries Ltd و سایر شرکت‌های مالیزیایی را به قیمت بالاتر از ارزش واقعی بازار آن‌ها بحیث ضمانت نزد شرکت‌های سهام ما به امانت گذاشته بودند و وعده داده بودند که به تاریخ معینی در آینده آن‌ها را با قیمت بلندتری مجدداً خریداری نمایند. زمانی که بازار سهام نزول کرد و پول آن‌ها تمام شد، شرکت‌هایی که سهام را نزد قرضه دهندگان ما گذاشته بودند نتوانستند سهام مزبور را به قیمتی که قبلاً روی آن موافقه صورت گرفته بود، دوباره خریداری نمایند. این امر سبب شد تا شرکت‌های بزرگ ما که به خرید و فروش سهام اشتغال داشتند و عضو بازار تبادلۀ سهام ما (Stock Exchange of Singapore) بودند، با مشکل عدم سیالیت و قلت پول مواجه شوند. بازار تبادلۀ اسعار سنگاپور (SES) برای سه روز مسدود شد؛ در عین حال، مأمورین اداره پولی به رهبری کوه بینگ سینگ همراه با چهار بانک بزرگ سنگاپور به عملیات بیست

وان اونن با من ملاقات کرد من بهتر دیدم از موقف کوه بینگ سنگ حمایت نمایم. بی‌سی‌سی‌آی بدون این‌که مایوس شود بار دیگر از طریق هرالد ویلسن (صدر اعظم اسبق برتانیه) پیش آمد. نامه سفارشی‌یی که ویلسن در این ارتباط عنوانی من نوشته بود، به نظرم عجیب آمد. طوری که او، برخلاف معمول، نامه را امضا کرده بود نشان می‌داد که او این نامه را محض برای خوشحال ساختن دوستی نوشته و از اصل مطلب آگاهی ندارد.

تقلب‌ها و خلاف رفتاری‌هایی بی‌سی‌سی‌آی منجر به ضررهای عظیمی برای سایر بانک‌ها شد و تا زمانی که بحران به پایان رسید اثرات سوء بزرگی بر همه مراکز مالی/پولی بر جا گذاشت. در هنگام بسته شدن، بی‌سی‌سی‌آی از قرضه دهندگان و حساب‌داران خود به اندازه ۱۱ میلیارد دالر قرض‌دار بود. سنگاپور بدین علت از این بحران بدور ماند که ما حاضر نشدیم معیارهایی را که پذیرفته بودیم قربانی مصلحت‌ها و دوستی‌های روزمره نمایم.

اداره پولی سنگاپور درخواستی جواز فعالیت بانک ملی برونی را نیز رد کرد. این بانک توسط یکتن چینایی معروف که ساکن سنگاپور بود و کو تیک پات نام داشت، اداره می‌شد. کوتیک پات بانک ملی برونی را خریداری کرد و در سال ۱۹۷۵ برادر سلطان برونی، شهزاده محمد بولکیه را که رییس بانک بود، واداشت تا تحریراً از اداره پولی سنگاپور تقاضای جواز فعالیت شعبه آن بانک را به عمل آورد. چند ماه بعد، مکتوب دیگری به ما اطلاع داد که برادر دیگر شهزاده محمد، شهزاده سوفری بولکیه معاون اجرایی بانک نامبرده تعیین شده است. از آنجایی که آقای کوتیک توسط خانواده شاهی برونی حمایت می‌شد، اداره پولی سنگاپور تصمیم نهایی را به من محول کرد. من از تصمیم اداره پولی سنگاپور مبنی بر رد درخواستی آن بانک حمایت کردم و این تصمیم را بار دیگر در سال ۱۹۸۳، زمانی که بانک تجدید درخواستی نمود، تکرار کردم.

سلطان در سال ۱۹۸۶ فرمان عاجل بستن بانک ملی برونی را صادر کرد. حدس تقلب و بی‌نظمی در قرضه‌های بانک، که بالغ به ۱٫۳ میلیارد دالر می‌شد، بالا گرفت و صاحبان حسابات برای خارج کردن پول‌های خود به بانک هجوم بردند. معلوم شد که آقای

# Mandegar

## بلغاریا بیش از صد نیرو

### به افغانستان اعزام می‌کند



وزارت دفاع بلغاریا اعلام کرده است که با آغاز ماموریت جدید ناتو در افغانستان، این کشور ۱۱۰ نظامی به افغانستان اعزام می‌کند تا در این ماموریت سهم بگیرد.

نیکولای نین چیف، وزیر دفاع بلغاریا روز گذشته در مراسمی اعلام کرد که بیشتر این نظامیان، مربیان بلغاری هستند که برای آموزش و مشوره‌دهی به نیروهای امنیتی افغانستان به این کشور اعزام می‌شوند.

او هم‌چنان گفت که شماری از این نیروها نیز وظیفه تامین امنیت میدان هوایی قندهار در جنوب افغانستان را بر عهده خواهند داشت.

نظامیان بلغاری در حالی به افغانستان اعزام می‌شوند که قرار است تا پایان سال جاری میلادی، ماموریت نیروهای بین‌المللی در افغانستان پایان یابد.

بیشتر دولت جدید افغانستان دو پیمان امنیتی با امریکا و ناتو امضا کرد که بر اساس آن، ماموریت جدید این نیروها که آموزش و مشوره‌دهی به نیروهای افغان است آغاز خواهد شد.

بیشتر، منشی عمومی ناتو در سفری به کابل اعلام کرد که با پایان ماموریت رزمی نیروهای بین‌المللی در افغانستان، فصل جدیدی از همکاری‌ها آغاز شد.

## از حمله طالبان در کونر جلوگیری شد



روبرو شده و در نتیجه درگیری میان دو طرف تنها دو تن از نیروهای امنیتی زخم برداشته و حمله طالبان نیز به عقب زده شده و جنگجویان این گروه دوباره متواری شدند.

به گفته سیدخیل، در این رویداد چندین طالب مسلح کشته و زخمی شده اند که اجسادشان تا کنون نیز در میدان نبرد باقی است.

از سوی هم فرمانده امنیه کونر از خیزش بیش از ۴۰۰ تن از باشندگان ولسوالی دانگام این ولایت علیه طالبان خبر می‌دهد. گفتنی‌ست که کونر در شرق کشور از جمله ولایت‌های نا امن محسوب می‌شود که بر علاوه حضور طالبان در این بخش هر از گاهی شاهد فرود راکت از آن سوی خط دیورند نیز می‌باشد

عبدالحیب سید خیل، فرمانده امنیه کونر به رسانه‌ها گفت: ساعت ۵:۳۰ بامداد امروز (دیروز) گروهی از طالبان مسلح که مجهز با جنگ افزارهای سبک و سنگین بودند بالای چندین پسته نیروهای امنیتی در ولسوالی چپه دره ولایت کونر حمله کردند. وی افزود: طالبان با مقاومت نیروهای امنیتی

## زنان در کابینه جدید حضور بیشتر می‌خواهند

از کارمندان ارگان‌های عدلی و قضایی را زنان تشکیل می‌دهند و حتی در راس ریاست این ادارت قرار دارند. او همچنان به ۵ درصد از زنان در صفوف نیروهای امنیتی این کشور اشاره می‌کند و می‌افزاید که تلاش‌ها برای بالا بردن این میزان جریان دارد.

### برنامه ارتقای ظرفیت

حکومت وحدت ملی گفته است که زنان بنا بر لیاقت و توانمندی شان می‌توانند در حکومتداری و رهبری سهم برابر داشته باشند؛ اما زنان افغانستان که تقریباً یک دهه از ادامه تحصیل و کار بازمانده بودند، هنوز هم نیاز به برنامه‌های ارتقای ظرفیت دارند. اخیراً دولت افغانستان و ایالات متحده امریکا برنامه «پروموت» یا «ارتقا» را برای توانمندی زنان افغان راه اندازی کرده اند. این برنامه پنج سال دوام می‌کند و در چهار عرصه رهبری، تجارت، دولت‌داری و رشد اقتصادی به زنان کمک می‌کند.

در آغاز این برنامه امریکا ۲۱۶ میلیون دالر را کمک کرد و قرار است ۲۰۰ میلیون دالر هم دیگر حامیان بین‌المللی افغانستان به این برنامه کمک کنند. وزارت زنان می‌گوید سه سال بالای این برنامه کار کرده و طرح‌هایی را آماده اجرا ساخته است.

معصومه محمدی، رییس موسسه «تساوی» و یکی از فعالان حقوق زن می‌گوید: «در حال حاضر اگر چنین برنامه‌ای با این کمک کلان وجود دارد، باید در این قسمت توجه بسیار زیادی صورت بگیرد که ما بتوانیم تغییرات مثبت دوامدار و بنیادی را در وضعیت زنان به وجود بیاوریم. یعنی کارها نباید پروژه‌ای مقطعی و کوتاه مدت باشد».

فوزیه حبیبی، معاون مالی و اداری وزارت زنان می‌گوید بخش بزرگی از این کمک‌ها به برنامه‌های حمایت اقتصادی از زنان اختصاص داده شده و کمیته‌ای متشکل از اعضای پارلمان، جامعه مدنی، وزارت مالیه و وزارت زنان بر روند عملی کردن پروژه‌های این برنامه نظارت می‌کنند.

وزارت زنان افغانستان می‌گوید یکی از اهداف مهم این برنامه بلند بردن توانمندی‌های زنان برای گرفتن سهم بیشتر در دولت‌های آینده است. تنها یک بخش از این کار گسترش کورس‌های آموزشی است که در یک سال توانسته ۸۰ هزار زن را در سراسر افغانستان تحت پوشش قرار دهد. بنابر آمار این وزارت سطح توانمندی زنان در بخش‌های خدماتی و آموزشی نیز بیشتر شده و حالا به گونه مثال زنان ۲۵ درصد خدمات صحتی را ارائه می‌کنند و ۴۰ درصد از دانش‌آموزان مکاتب و ۲۰ درصد از دانشجویان دانشگاه‌های این کشور را دختران تشکیل می‌دهند.

قرار بود حکومت وحدت ملی یک و نیم ماه بعد از آغاز به کارش اعضای کابینه را معرفی کند، اما گفته می‌شود که تاکنون رئیس‌جمهور و رئیس‌اجرایه این حکومت بالای گزینش اعضای کابینه رایزنی می‌کنند. هنوز هم مشخص نیست که کابینه جدید افغانستان چه وقت اعلام می‌شود و چند کرسی از وزارتخانه‌های این کشور به زنان سپرده خواهد شد.



درگیر و دار تلاش‌ها برای معرفی کابینه جدید، زنان افغانستان خواهان به دست آوردن حداقل پنج وزارتخانه تاثیرگذار هستند. وزارت زنان این کشور می‌گوید حکومت وحدت ملی باید برای بیشتر شدن نقش زنان در رهبری اقدام عملی کند.

وزارت‌نمای افغانستان می‌گوید که در حال حاضر تنها سه زن در کابینه حضور دارند و نیاز است که پنج تا شش وزارتخانه موثر به زنان واگذار شود.

فوزیه حبیبی، معین مالی و اداری وزارت زنان می‌گوید چنانچه از اقدامات اخیر حکومت وحدت ملی بر می‌آید، دولت جدید در صدد آن است تا نقش موثر زنان را در حکومتداری بیشتر کند: «البته با تعهدی که رئیس‌جمهور در ارتباط با ازدیاد نقش زنان در ادارات دولتی دارد و چنانچه نهادهای دادخواه حقوق زنان هم گفته اند پنج تا شش وزارتخانه باید به زنان داده شود. این مهم نیست که کدام وزارتخانه‌ها، ولی معیاری که حکومت پیشکش کرده یک معیار بسیار قوی است».

به گفته وی اهلیت، توانمندی و شایستگی زنان می‌تواند جایگاه حقیقی آنان را در حکومت وحدت ملی به عنوان تصمیم‌گیرندگان تثبیت کند. خانم حبیبی همچنان از تلاش‌های بانوی اول افغانستان نیز در این زمینه ابراز امتنان می‌کند.

### حضور زنان در کابینه

بنا بر آمار ارائه شده از سوی وزارت زنان، فعلاً کابینه این کشور سه وزیر زن دارد، دست کم شش معاون وزیر در پنج وزارتخانه این کشور فعالیت دارند و ریاست‌های مهمی در مرکز و ولایت‌ها را به پیش می‌برند. خانم حبیبی به گونه مثال از ریاست‌های مستقل حقوق بشر و ریاست حلال احمر نام می‌برد که توسط زنان رهبری می‌شوند.

او همچنان می‌گوید که زنان این کشور در حال حاضر به عنوان والی، ولسوال و آمران حوزه‌های امنیتی پولیس نیز کار می‌کنند: «خوشبختانه در افغانستان در طی سیزده سال اخیر به خاطر تلاش‌هایی که صورت گرفته و می‌کنیم‌هایی که ساخته شده اکنون ۲۵ درصد از کارمندان دولت را زنان تشکیل می‌دهند که در عرصه‌های مختلف کار می‌کنند و ۹ درصد از زنان در سطح تصمیم‌گیری قرار دارند».

معین وزارت زنان می‌افزاید که در حال حاضر ۱۰ درصد

## روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفتراخرچی
سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسیده به منزل یا دفتراخر
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰